

# جامعه جهانی بهائی

## برانگیختن نفرت کمپین رسانه ای ایران برای پلید جلوه دادن بهائیان

The collage features several elements:

- Rajanews Website Screenshot:** Shows the website's header with the logo and navigation menu. The main content area includes a headline about a religious gathering and a photograph of a man in clerical attire addressing a crowd.
- 'بهرانی گری' (Baha'i Grievance) Clipping:** A red and white newspaper clipping with a Star of Baha'ism logo. The text discusses the activities of Baha'is in Iran, mentioning their efforts to spread their religion and their interactions with the government.
- 'بهایت به نسیل براندازی تدریجی نظام اسلامی است' Clipping:** A newspaper clipping with a blue and white header. It contains a photograph of a woman in a black chador and text discussing the perceived threat of Baha'ism to the Islamic system.
- Text Fragments:** Various pieces of text are scattered around the main images, some appearing to be torn from documents or newspapers. These fragments mention the Baha'i community's activities and the Iranian government's response.

ترجمه ای از:  
یک گزارش مخصوص  
از جامعه جهانی بهائی، اکتبر ۲۰۱۱

برانگیختن نفرت  
کمپین رسانه‌ای ایران برای  
پلید جلوه دادن بهائیان

ترجمه‌ای از: یک گزارش ویژه  
از جامعه جهانی بهائی  
مهر ماه ۱۳۹۰

[www.bic.org/inciting-hatred](http://www.bic.org/inciting-hatred)

برانگیختن نفرت  
کمپین رسانه‌ای ایران برای پلید جلوه دادن بهائیان

یک گزارش ویژه  
از جامعه جهانی بهائی  
مهرماه ۱۳۹۰ (اکتبر ۲۰۱۱)

[www.bic.org/inciting-hatred](http://www.bic.org/inciting-hatred)

© 2011 by the Bahá'í International Community

866 United Nations Plaza

Suite 120

New York, NY 10017-1801 USA

<http://bic.org>

# فهرست مطالب

صفحه

مقدمه

۳	۱	بیگانه در سرزمین خود
۶	۲	برانگیختن نفرت با حمایت دولت
۱۱	۳	موضوع‌های اصلی تبلیغات ضد بهائی در ایران
۲۶	۴	ارتباط میان تبلیغات و خشونت
۳۰	۵	تاریخچه آزار بهائیان
۳۳	۶	تلاش‌های بین‌المللی برای مبارزه با برانگیختن نفرت و پاسخ ایران
۳۷	۷	نتیجه — پاسخ بهائیان
۴۰	۸	ضمیمه الف — نمونه مقالات
۴۱	۹	ضمیمه ب — خلاصه آنلاین همه مقالات



## مقدمه

جامعه بین‌المللی نگران از گسترش وسیع نزاع‌های مذهبی و عدم تسامح دینی، در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای به مبارزه با برانگیختن نفرت و خشونت نموده است.

در حالی که ایران مدعی است که از این‌گونه مبارزات حمایت می‌کند، در حال حاضر یک کمپین روشمند با حمایت و کمک دولت به منظور برانگیختن نفرت در این کشور جریان دارد.

هدف این برنامه بهائیان هستند که در مدت بیش از سه دهه گذشته با آزار همه‌جانبه‌ای از طرف مقامات ایرانی روبه‌رو بوده‌اند. از سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) تا امروز، بیش از ۲۰۰ نفر ایرانی بهائی اعدام و صدها نفر زندانی شده‌اند.

هرچند پس از دهه ۶۰ (دهه ۱۹۸۰) کشتار بهائیان در ایران عمدتاً متوقف شده، اما بهائیان ایران هنوز تحت محدودیت‌های شدید اجتماعی و اقتصادی قرار دارند. از حق استخدام و مالکیت محروم‌اند، راه تحصیلات عالی به روی جوانان بهائی مسدود است، مؤسسات اداری بهائی منحل شده، و تقریباً همه امکانات برای یک زندگی قابل قبول از این گروه شهروندان سلب گردیده است.

این سرکوب در چند سال اخیر شدت گرفته است. هفت عضو یک گروه که مسئول امور اداری جامعه بهائی ایران بوده‌اند، به اتهامات خلاف واقع پشت میله‌های زندان درحال گذراندن دوران محکومیت ۲۰ ساله خود هستند. تعداد بهائینی که به طور روزمره مورد آزار قرار می‌گیرند و بازداشت می‌شوند در سراسر کشور به شدت در حال افزایش است.

یکی از شکل‌های مودیانۀ این آزار، که تا کنون کمتر مستند شده بود، استفاده گسترده و روشمند حکومت از رسانه‌های ارتباط جمعی و وسایل دیگر برای بدنام کردن و توهین به بهائیان است.

جلوه دادن بخشی از یک جامعه به عنوان مردمانی پلید و فاقد صفات انسانی، که به دفعات در طول تاریخ تکرار شده، همیشه بسیار نگران کننده بوده است. از طریق این گونه تبلیغات، ماهیت انسانی قربانیان انکار می‌شود و آنها به عنوان «دیگرانی»، که بعضاً با عبارات توهین‌آمیزی مانند حیوان، انگل، آفت، بیمار و یا جادوگر از آنها یاد می‌شود، مقصر اصلی مشکلات اقتصادی و اجتماعی در کشور - و اغلب در کل جهان - شناخته می‌شوند.

در مورد بهائیان ایران، این تهمت‌ها و دروغ‌ها از طریق رسانه‌های تحت کنترل و یا مورد حمایت دولت، از طریق پخش جزوه و نشریات، از بالای منبرها، و در نمایشگاه‌ها و رویدادهای عمومی پخش می‌شود.

در تبلیغات رسمی، بهائیان به عنوان منشأ همه بدی‌های ممکن تصویر می‌شوند. به آنان تهمت می‌زنند که عاملان گروه‌های مختلف امپریالیستی و یا استعماری هستند. دائماً مورد تهمت‌های کاملاً بی‌اساس فساد اخلاقی هستند و آنها را به عنوان مطرودان اجتماعی که باید از آنها دوری جست معرفی می‌کنند. حجم، شدت، تندی و خشونت این تبلیغات و وسعت و پیچیدگی آنها ترس‌ناک و تکان‌دهنده است. هدف این برنامه تبلیغاتی، که با سوءنیت تنظیم شده، این است که دشمنی مردم را علیه یک جامعه دینی صلح‌جو، که اعضایش برای رفاه جامعه پیرامون خود می‌کوشند، برانگیزد.

به نظر می‌رسد پس از ۳۰ سال تبلیغ نفرت، بهائیان به یک سپر بلای همه‌جانبه تبدیل شده‌اند؛ آن چنان که حکومت ایران احساس می‌کند می‌تواند عملاً مخالفان خود را صرفاً با اتهام بهائی بودن به راحتی بدنام کند، گویی بهائی بودن بدترین جرم است.

جامعه جهانی بهائی جریان مستمر این‌گونه تبلیغات را که در یک دوره ۱۶ ماهه - از ۲۶ آذر ۱۳۸۸ تا ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ (۱۷ دسامبر ۲۰۰۹ تا ۱۶ مه ۲۰۱۱) - در شبکه اینترنت و از طریق نشریات و رسانه‌های ایرانی منتشر شده، - مورد بررسی قرار داده است.

نمونه‌ای از مقالات، اخبار یا صفحات اینترنتی که توسط رسانه‌های رسمی یا نیمه‌رسمی انتشار یافته، نشان می‌دهد تبلیغات ضد بهائی در دوره مورد بررسی، به صورت رده‌بندی شده، شامل موارد زیر است:

- ۳۶۷ مقاله در گستره وسیعی از رسانه‌های چاپی و اینترنتی
- ۵۸ سمینار، کنفرانس و همایش
- سه مجموعه مستند تلویزیونی و سه برنامه تلویزیونی دیگر
- سه سریال رادیویی (علاوه بر اشارات بی‌شمار دیگر در رادیو)

- دو بانک اطلاعاتی نرم‌افزاری، قابل دسترس به صورت آنلاین یا به صورت دیسک فشرده
- حد اقل دو تارنما که کاملاً به مبارزه با آئین بهائی اختصاص داده شده‌اند، و
- پنج نمایشگاه رسمی

این گزارش به تحلیل موضوع‌های اصلی تبلیغات ضد بهائی در ایران و ارتباط بین این تبلیغات و خشونت می‌پردازد. این پدیده را در بستر تلاش‌های بین‌المللی برای مبارزه با برانگیختن نفرت و نیز در زمینه تعهدات خود ایران بررسی می‌کند، و در پایان، به پاسخ جامعه جهانی به سه دهه سرکوب و حشت‌ناک می‌پردازد.

## ۱ بیگانه در سرزمین خود

مردم ایران در سال های اخیر بار دیگر خواسته خود مبنی بر داشتن دموکراسی واقعی و پایان نقض حقوق بشر را مورد تأکید قرار دادند. اما همزمان با آن، حمله به بهائیان شدت قابل توجهی پیدا کرد که افزایش دستگیری ها، آزارها و زندانی کردن ها شاهدی بر آن است.

این الگودر ایران شناخته شده است. بارها در هنگام ناآرامی ها، در مواقعی که عموم مردم خواستار رشد اجتماعی و آزادی های بیشتر در ایران بوده اند، بهائیان قربانی شده اند.

در این بستر، تبلیغات گسترده دولتی در برانگیختن تنفر و تشویق به اقدامات خشونت آمیز علیه بهائیان مسئله ای نگران کننده با عواقبی بالقوه شوم است. اتهامات بی اساسی که در تبلیغات ضد بهائی کنونی مطرح می شود، نشان دهنده تلاشی گسترده برای منحرف کردن افکار عمومی و توجیه ادامه محرومیت شهروندان ایرانی از حقوق بنیادین بشری شان است.

### تعهدات ایران در برابر قوانین بین المللی

جامعه بین المللی به لزوم مقابله با خشونت و برانگیختن نفرت علیه اقلیت های مذهبی به خوبی آگاه است. آزادی دین یا عقیده و حمایت از اقلیت ها در مقابل تبعیض، از مبادی پایه ای بیانیه جهانی حقوق بشر است که در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) به تصویب رسید. از آن زمان تا کنون بارها در قطعنامه ها و اعلامیه های سازمان ملل و میثاق ها و تعهدات بی شمار بین المللی این موضوع گنجانده و مورد تأکید قرار گرفته است. اعمال این حقوق با ممنوع بودن سخنانی که اسباب برانگیختن نفرت باشد، ارتباطی ناگسستگی دارد. به ویژه ماده ۲۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به صراحت عنوان می کند:

«هرگونه ترغیب به تنفر ملی، نژادی یا دینی که محرک تبعیض، دشمنی یا خشونت به حساب آید، به موجب قانون ممنوع است.»

به این ترتیب، بر اساس قوانین بین المللی وظیفه کشورها شامل جلوگیری و مجازات تحریک به تبعیض، دشمنی و خشونت نیز می گردد. به همین دلیل باور نکردنی است دولتی که بنا به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی متعهد است از شهروندان خود در برابر نفرت دینی محافظت کند، خود بی پروا محرک چنین نفرتی باشد. اما حکومت ایران عیناً همین کار را می کند.

ایران در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۶) میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی را امضا کرد. مأموران سیاسی که نمایندگی جمهوری اسلامی را به عهده داشته اند همیشه ادعا کرده اند که در پیروی از این میثاق کوشا هستند و ایران آشکارا در اجرای مستمر میثاق شرکت داشته و گزارش های منظمی به کمیته بین المللی حقوق بشر، که مسئول نظارت بر اجرای آن است، ارسال کرده است.

با توجه به میزان بالای عدم بردباری مذهبی و رواج تبعیض دینی در ایران، آنچه حمایت ایران از این میثاق را طعنه آمیز می کند، این است که مذاکرات کنونی در سازمان ملل متحد در باره نفرت دینی توسط دولت های اسلامی آغاز گردیده که از «بدنام کردن» مسلمانان و تعصب آمیز و خشونت بار معرفی کردن عقاید آنان توسط برخی افراد نگران بودند. نگرانی کشورهای اسلامی از بروز موارد فزاینده این نوع کلیشه سازی منفی و عدم مدارا - به ویژه پس از واقعه یازده سپتامبر در کشورهای غیر اسلامی قابل درک است. همین دولت ها بودند که یک سلسله قطعنامه هایی را پیشنهاد کردند که در نهایت، به تأکید مجدد بر وظیفه دولت ها نسبت به حفظ شهروندان در برابر تبعیض دینی و جلوگیری از برانگیختن نفرت انجامید. همفکری هر ۴۷ عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در این زمینه در قطعنامه شدید الّحنی که در فروردین ۱۳۹۰ (مارس ۲۰۱۱) به اتفاق آرا به تصویب رسید، انعکاس یافت. ۱

<sup>۱</sup> [http://www.fidh.org/IMG/pdf/ir2403an\\_Persian\\_.pdf](http://www.fidh.org/IMG/pdf/ir2403an_Persian_.pdf)

UN Document A/HRC/RES/16/18 — “Combating intolerance, negative stereotyping and stigmatization

of, and discrimination, incitement to violence, and violence against persons based on religion or belief.”



این قطعنامه «هر گونه ترغیب به تبعیض یا خشونت بر مبنای دین و عقیده» و به ویژه «تحریک به تبعیض، دشمنی یا خشونت» در مسائل دین و عقیده را «در هر زمینه‌ای» محکوم می‌کند؛ و نیز هر گونه حمایت از نفرت دینی در رسانه‌های چاپی، دیداری و شنیداری یا سایر رسانه‌های الکترونیکی را محکوم می‌کند.

### کمپینی با هدف «دیگر سازی»

ایران آشکارا معیارهای دوگانه‌ای را دنبال می‌کند: در خارج مدافع مدارای مذهبی است و در داخل آن را از ملت خود دریغ می‌دارد. در کنفرانسی که اخیراً در دانشگاه تورنتو برگزار شد چگونگی تلاش مقامات ایرانی برای جداسازی بهائیان از زندگی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فکری مملکت و بیگانه جلوه دادن آنان در وطن خود؛ یعنی فرایند معروف به «دیگر اندیش سنتزی» یا «دیگر سازی» را مورد بررسی قرار داد. در این کنفرانس، دکتر عبدالکریم لاهیجی، وکیل برجسته حقوق بشر، گفت که در قانون اساسی جمهوری اسلامی، «هیچ اصلی برای رعایت آزادی مذهب وجود ندارد.»

آقای لاهیجی در ۱۲ تیر ۱۳۹۰ (۳ ژوئیه ۲۰۱۱) در این کنفرانس گفت: «متن قانون اساسی جمهوری اسلامی خود سندی است بر تبعیض مذهبی ... رژیم ایران به حیات، مال، وجدان، اعتقادات و دین ... و یا شأن بهائیان احترام نمی‌گذارد.»

اقدامات روشمند ایران برای برانگیختن نفرت دینی علیه شهروندان بهائی خود، چنان که در این گزارش به تفصیل بیان شده، یکی از فاحش‌ترین نمونه‌های همان نوع رفتاری است که قوانین حقوق بشر و قطعنامه فروردین ۱۳۹۰ (مارس ۲۰۱۱) شورا آن را محکوم می‌کند.

یکی از عناصر اصلی تشدید کمپین آزار بهائیان در سال‌های اخیر، استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی و امکانات دیگر مانند «سمینارهای آموزشی» است که به شکلی روشمند بهائیان را ترسناک و اهریمنی جلوه داده و مورد اهانت قرار می‌دهد. محتوای گوناگون این حملات نشان دهنده اختصاص منابع مالی عظیم و تلاش شدید جمهوری اسلامی در این زمینه است.

بسیاری از این حملات بر پایه تحریف فاحش تاریخ دیانت بهائی بنا شده است؛ برخی از آنها به استراتژی شریک جرم دانستن از طریق رده‌بندی بهائیان با گروه‌های کاملاً غیر مرتبط مثل «شیطان‌پرستان» یا پلیس مخفی شاه دست می‌زنند؛ و برخی دیگر شگرد پیوند دادن بهائیان با 'مخالفان' رژیم را به کار می‌برند که به دولت اجازه می‌دهد تا هر دو، هم بهائیان و هم مخالفان را یکجا متهم کند.

ترسناک جلوه دادن جامعه بهائی ایران مسئله‌ای است که سزاوار بذل توجه دولت‌ها، نهادهای حقوقی بین المللی و مردمان منصف و روشن بین در همه‌جاست. اگر جمهوری اسلامی مجبور به قبول مسئولیت در قبال اعمال خود نشود، این اقدامات مستمر دولت برای برانگیختن نفرت و آزار دینی ممکن است به آسانی به افزایش خشونت و حتی از سرگیری احتمالی اعدام بهائیان به شکلی که در دهه ۶۰ (۱۹۸۰) اتفاق افتاد، منجر گردد.

محک قطعی برای سنجیدن وضعیت عمومی حقوق بشر در ایران و نشانه واقعی برخورداری همه شهروندان از حقوق برابر و بدون تبعیض دینی یا عقیدتی آنست که تا چه حد رژیم کنونی ایران - یا هر رژیم دیگری در آینده - بتواند جامعه بهائی را بپذیرد و یا حتی با آغوش باز آن را جزئی از ملت خود بداند. اخراج بزرگترین اقلیت مذهبی از حیطه حمایت قانون و به کار گرفتن یک فرهنگ سیاسی نفرت‌برانگیزی، اساساً با هر نوع تصور منطقی از دموکراسی در تضاد است و تا زمانی که این وجه‌المصالحه کردن بهائیان بخشی از فرهنگ سیاسی ایران باشد، امید دستیابی به حقوق بشر و آزادی بعید خواهد ماند.



این تصویر - که نماد شناخته شده مرگ است - در مقالات متعددی در وبسایت‌ها و وبلاگ‌های ضد بهایی، که بسیاری از آنها یا دولتی هستند و یا متعلق به طرفداران دولت، دیده می‌شود.

## ۲ برانگیختن نفرت با پشتیبانی دولت

از جمله مهم‌ترین حقایقی که از بررسی تبلیغات در طول مدّت مورد مطالعه - ۲۶ آذر ۱۳۸۸ تا ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ (۱۷ دسامبر ۲۰۰۹ تا ۱۶ مه ۲۰۱۱) - پدیدار می‌شود، میزان بالای دخالت دولت در ایجاد نفرت علیه بهائیان و جهت دهی و اشاعه آن تبلیغات سوء است.

نظام جمهوری اسلامی برای این پلیدنمائی اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شده است. نخست آن که این تحریکات در بالاترین سطوح حکومت، از جمله با مشارکت مستقیم مقام رهبری، آیت‌الله علی خامنه‌ای، انجام می‌گیرد. دوم آن که این تبلیغات به صورت فزاینده‌ای به حالت تخیلی درآمده، چنان که طیفی وسیع و غالباً متناقض از اتهامات تحریک‌کننده را در آمیزه‌هایی سخیف به هم می‌آمیزد، به گونه‌ای که هر نوع پلیدی و شرارت قابل تصوّر را به بهائیان نسبت می‌دهد. از جمله این اتهامات می‌توان به جاسوسی برای اسرائیل، بی‌بند و باری اخلاقی، شورش مسلحانه، اجرای مراسم «شبه فرقه‌ای»، مخالفت با دولت و البته دشمنی با اسلام و بسیاری اتهامات دیگر اشاره کرد.

وجه مشترک همه این تبلیغات، یعنی متنفر جلوه دادن بهائیان از اسلام، برای آنست که یک «اثر انعکاسی» ایجاد کند و نفرت نسبت به بهائیان را توجیه نماید. چنان که در زیر نشان داده شده، تبلیغات تازه ضد بهائی با اشتیاقی فزاینده برای اختراع اتهاماتی جدید که بر اتهامات اصلی افزوده می‌شود، بهائیان را حتی به همکاری با یک گروه شدیداً ضد بهائی (حجتیه) که در عین حال ضد نظام نیز شناخته می‌شود، متهم نموده‌اند. به این ترتیب جمهوری اسلامی، علاوه بر انتساب همه نقشه‌های مجرمانه، دسیسه‌های شرورانه و انواع و اقسام گناهان، اکنون آنها را به همکاری با گروه‌های ضد خودشان نیز متهم می‌کند.

در مهر و آبان ۱۳۸۹ (اکتبر ۲۰۱۰)، یک سلسله مقاله، اظهارات بهائی ستیزانه مقام رهبری آیت‌الله علی خامنه‌ای را که طی نطقی در تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۱۰ در مرکز مذهبی ایران، قم، عنوان کرده بود، گزارش دادند.

سخنرانی مقام رهبری به طور کامل در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد و توسط خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، ایرنا، نیز گزارش گردید. جملات زیر بخش‌هایی از داستان خبری ایرنا است که در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۸۹ (۱۹ اکتبر ۲۰۱۰) منتشر شد.

آیت الله خامنه‌ای اظهار داشتند: «دشمنان این انقلاب وقتی خواستند در طول این مدت به این انقلاب و نظام صدمه‌ای وارد کنند، آماج حملات آنها چه بوده است؟ آماج حملات دشمنان دو نقطه‌ی اساسی است: یکی دین، یکی مردم و وفاداری آنها.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ادامه افزودند: «... آن نظامی که بر مبنای دین باشد معنی ندارد که تسلیم فشار و زور دشمنان و زورگویان و زیاده طلبان شود.»

وی تأکید کرد که دشمنان کشور نتوانسته‌اند بین ملت ایران و مقامات حکومت اسلامی شکاف ایجاد کنند.

ایشان اضافه کردند: «آنها خیال می‌کردند می‌توانند مردم را از نظام اسلامی جدا کنند، اما روز به روز که گذشته است، مشاهده می‌کنید پایبندی مردم به مسایل دینی و ارزش‌های معنوی بیشتر شده است.»

او آنگاه افزود که دشمنان کشور تلاش کردند در ارزش‌های دینی مردم شک و تردید ایجاد کنند تا پایه‌های ایمان مردم «بخصوص نسل جوان را متزلزل کنند؛ از اشاعه بی‌بندوباری و اباحیگری، تا ترویج عرفان‌های کاذب - جنس بدلی عرفان حقیقی - تا ترویج بهائیت، تا ترویج شبکه‌ی کلیساهای خانگی». «این‌ها کارهایی است که امروز با مطالعه و تدبیر و پیش‌بینی دشمنان اسلام دارد انجام می‌گیرد؛ هدفش هم این است که دین را در جامعه ضعیف کند.» وی ادامه داد: «در زمینه‌ی تضعیف وفاداری مردم نسبت به نظام هم کارهای زیادی می‌کنند: شایعه می‌سازند، برای این‌که مردم را از مسئولین کشور، از رؤسای قوا مأیوس کنند. تخم بدبینی می‌پراکنند.»

لازم است سه نکته مهم درباره این گزارش و موضوع آن عنوان شود. نخست آن که این خبر مربوط به سخنان رهبر ایران است که سخنانش معادل با حکم الهی دانسته می‌شود. او در بالاترین نقطه سلسله مدارج حکومتی، حتی فراتر از رئیس جمهور، قرار دارد.

دوم آن که اصل مطلب گزارش درباره دشمنان ایران - و اسلام - است. مقاله به احساسات ملی و مذهبی هر دو متوسّل می‌شود. رهبری با گنجاندن بهائیان در فهرست دشمنان، به آنان برجستگی از بدترین نوع موجود می‌زند.

سرانجام، این سخنان، چنان که رویدادهای پس از سخنرانی نشان داد، آشکارا بخشی از یک اقدام از پیش برنامه‌ریزی شده برای جوسازی و جهت‌دهی ویژه‌ای به سیاست دولتی بود. پوشش خبری اولیه سخنرانی مقام رهبری، در هفته‌های

بعد با چندین مقاله دنبال شد که تحلیل و تفسیری در پشتیبانی از این سخنرانی ارائه می‌کردند. بسیاری از این مقالات لحن ضد بهائی مضمون این سخنرانی را تشدید می‌کردند.



خبرگزاری ها و تارنماهای دولتی به نحو گسترده ای سخنرانی آیت الله خامنه ای را که وی در آن بهائیان را به عنوان دشمنان جمهوری اسلامی خواند پوشش دادند.

متن کامل بیانات رهبر انقلاب در جمع پر شور مردم قم  
**فتنه 88 کشور را در برابر میکروب‌های سیاسی واکنش کرد**  
 رهبر معظم انقلاب اسلامی پس از استقبال با شکوه مردمی و زیارت حضرت معصومه (س) در اجتماع عظیم مردم در میدان آستانه شهر قم حضور یافتند و به ابراز احساسات گرم و صمیمانه آنان پاسخ گفتند.



حضرت آیت الله خامنه ای در این دیدار، ضربه زدن به «دین» و «وفاداری مردم» را دو هدف اصلی زورگویان جهانی دانستند و خاطرنشان کردند: اگر عصر دین نبود، ممکن بود مستولان انقلاب با گرفتن برخی امتیازات، در مقابل دشمن کوتاه بیایند اما دین اسلام اجازه تسلیم در برابر ظالم را نمی‌دهد و عدالت و آزادی و معیشت و بشرفتی را به همراه می‌آورد، به همین علت، مستولان نظام تاکنون در مقابل استکبار کوتاه نیامده‌اند و از این به بعد نیز، به برکت دین، به مقابله با دشمنان اسلام و انقلاب ادامه خواهند داد.

رهبر انقلاب اسلامی، متزلزل کردن وفاداری مردم به نظام اسلامی را دومین هدف نوظهور دشمنان برشمردند و افزودند: علاوه بر عصر دین، حضور و حمایت مستحکم مردم، پشتوانه ایستادگی مستولان نظام اسلام است و دشمن نیز به همین علت، وفاداری مردم را نشانه رفته است.

حضرت آیت الله خامنه ای، شایعه پراکنی برای مایوس کردن مردم، ایجاد بدبینی نسبت به مستولان به ویژه رؤسای فوا، برکنمایی ضعفهای کشور، و نادیده گرفتن پیشرفت‌ها و اقدامات انجام شده را از جمله روشهای مخالفان نظام اسلامی برای ضربه زدن به اعتماد و وفاداری مردم دانستند.

برای نمونه در ۱ آبان ۱۳۸۹ (۲۳ اکتبر ۲۰۱۰)، خبرگزاری دولتی فارس مصاحبه‌ای را با حجت‌الاسلام محسن غروی‌ان، عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی، ارائه و تفسیر او را از سخنرانی مزبور منتشر کرد.

از آقای غروی‌ان نقل قول شده: «یکی از هشدارهای مقام معظم رهبری، رشد بهائیت بود که مقام معظم رهبری با این هشدار در صدد بودند که حوزه‌های علمیه نسبت به فرقه‌های انحرافی حساس باشند، خصوصاً بهائیت و وهابیت که هر دو فرقه استعماری هستند که توسط روسیه و انگلیس در ایران شکل گرفته است. حوزه‌های علمیه در آموزش طلاب باید برای مقابله با 'عرفان‌های کاذب' تلاش کند... مقام معظم رهبری با هشدار به رشد عرفان‌های کاذب خواستار انجام تحقیقات... شدند و این وظیفه حوزه‌های علمیه است که نیروهایی برای مقابله با چنین گروه‌هایی را تجهیز کند.»

روز بعد، ۲ آبان (۲۴ اکتبر)، «رجانیوز»، خبرگزاری وابسته به حکومت نیز مصاحبه‌ای با سعید قاسمی که به عنوان یکی «از فرماندهان ارشد دفاع مقدس» شناخته می‌شود، منتشر کرد که بهائیان را به فتنه‌گری متهم می‌کرد.

بر اساس این مقاله، آقای قاسمی معتقد است که سخنرانی مقام رهبری مسائل مربوط به ناآرامی‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) را روشن می‌کند. او می‌گوید بهایی‌ها، مجاهدین، خود آقای موسوی، آقای کروی و چهره‌های دیگری از داخل نظام نظیر آقای هاشمی و فرزندان، اصلاح‌طلب‌ها، سلطنت‌طلب‌ها، پسر شاه فقید و شاهزاده خانم‌ها و مسعود رجوی، رهبر مجاهدین خلق، مسئولیت این ناآرامی‌ها را بر عهده داشتند.

آقای قاسمی در ادامه می‌گوید نکته جالب این است که: «بهایی‌ها که از اول انقلاب در هیچ انتخاباتی شرکت نمی‌کردند، حالا به آنها دستور داده شده بود که بروید و پشت سر فتنه سبز قرار بگیرید! این‌که چطور می‌شود که همه اینها یک جبهه واحد می‌شوند و چه قدرت پنهانی می‌تواند اینها را با هم منسجم کند و پشت یک خط قرار بدهد، خیلی جای بحث دارد.»

طی روزهای بعدی، بسط و تفصیل اظهارات مقام رهبری ادامه یافت. در مقاله‌ای که روز ۴ آبان (۲۷ اکتبر) در خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منتشر شد، وزیر اطلاعات ایران، حجت‌الاسلام حیدر مصلحی نیز، بدون ارائه کوچک‌ترین مدرکی از شرکت بهائیان در اعتراضات پس از انتخابات، آنان را به ایجاد «فتنه» متهم کرد. آنچه بیش از

حدّ شگفت‌انگیز است، تلاشی بی‌سابقه برای ربط دادن بهائیان با یک گروه مشهور به بهائی‌ستیزی، در جهت پیشبرد تبلیغات ضد بهائی است. در این مقاله ادعا می‌شود که:

اجتماع بهابیت با انجمن حجتیه در فتنه اخیر بسیار قابل توجه بود.

در بحث فتنه، یکی از نکات قابل توجه این است که مجموعه‌ای که فتنه را مدیریت می‌کرد به هیچ وجه مجموعه‌ای نبود که [فقط] قبل از انتخابات شکل گرفته و طراحی کرده باشد، بلکه این مساله یک سابقه ۲۰ ساله دارد.

مؤسسات و سازمان‌هایی که با جمع قابل توجه‌شان در فتنه اخیر به عنوان محوریت کار حضور داشتند، در واقع به دنبال فرصت می‌گشتند و با طراحی‌های خود، به ویژه در شبکه مجازی و شبکه‌های اجتماعی درون آن، انتخابات دهم را بهترین فرصت [برای عملی کردن نقشه‌های خود] دیدند.

طراحی استکبار این‌گونه بود که انجمن حجتیه، بهائیت، نفاق، کمونیست، ضد انقلاب و حتی مجموعه‌های دین‌داری که همراه با انقلاب نبودند گروهی از مردم دین‌دار که با انقلاب اسلامی مخالف بودند، در این مجموعه جمع شوند؛ و از همه جالب‌تر اجتماع بهابیت با انجمن حجتیه در فتنه اخیر بسیار قابل توجه بود.

موضوعی که در این مقالات به‌طور مداوم تکرار می‌شود روشن است: بهائیان دشمن دولت و دین اسلام هستند. مقالات با نقل قول از مقامات بالای حکومتی، بهائیان را به دروغ با گروه‌هایی که از دیر باز منفور اولیای امور ایرانی بوده‌اند مانند قدرت‌های استعماری، سازمان مجاهدین و انجمن ضد بهائی حجتیه ربط می‌دهند. انجمن حجتیه در سال‌های دهه ۳۰ (دهه ۱۹۵۰) برای مقابله و مخالفت با ائین بهائی به عنوان بخشی از مأموریت خود در جهت حفظ و تطهیر اسلام تأسیس شد. اما این انجمن در اولین سال‌های انقلاب اسلامی ممنوع شد زیرا نگرش‌های دینی‌اش با خط عقیدتی آیت‌الله خمینی تعارض داشت. تصور همکاری این انجمن با بهائیان به همان اندازه معتبر است که گفته شود سازمان‌سری ضد سیاه‌پوستان آمریکا با قربانیان آفریقای-آمریکایی خود هم‌دست است.

نمونه بالا نشان دهنده آن است که تحریک نفرت از بالاترین مقامات ایران سرچشمه می‌گیرد و به تصور عاملان تبلیغات، در واقع هر اتهامی را می‌توان به بهائیان وارد کرد، بدون توجه به این که تا چه حد مضحک و متناقض باشد.

این تصویر در چندین تارنمای ضد بهائی و هوادار دولت منتشر شده است. به طور مثال در مقاله‌ای در تاریخ ۱۸ دی ۱۳۸۹ در سایت کلمه نیوز از آن استفاده شده است. در این مقاله ادعا شده که بهائیان در روزهای مقدس شیعیان جلساتی تشکیل می‌دهند که در آن مردان، زنان و دختران با یکدیگر دعا می‌خوانند و سپس لخت شده و «به موسیقی سخیف گوش می‌دهند و جشن می‌گیرند».



## ۳ موضوع‌های اصلی تبلیغات ضد بهائی در ایران

اقدامات تبلیغاتی علیه بهائیان ایران از استدلال‌ها و «قرائنی» استفاده می‌کند که - در عین حال که غالباً از درون متناقض و یا کذب آشکار است - چنان طرح‌ریزی شده که بیشترین تأثیر را بر احساسات عامه مردم بگذارد.

برای مثال در یک دوره سه ساله از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ (۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸)، روزنامه نیمه‌رسمی «کیهان» بیش از ۲۰۰ مقاله سفسطه‌آمیز و گمراه‌کننده درباره تعالیم، تاریخ، و فعالیت‌های بهائی منتشر کرد. این تلاش در تلویزیون و رادیو نیز منعکس شد. مقالات «کیهان» به ویژه عمدتاً به تحریف تاریخ پرداخت و بهائیان را آلت دست قدرت‌های استعماری یا اسرائیل معرفی کرد و آنها را از نظر اخلاقی فاسد جلوه داد.

- بررسی جامعه جهانی بهائی از تبلیغات ضد بهائی که یا از حمایت حکومت برخوردار است و یا حکومت آن را به راه انداخته، چند موضوع مکرر را نشان می‌دهد که شامل موارد زیر است:
- بهائیان مخالف اسلام هستند و فعالانه برای تضعیف آن می‌کوشند.
- دیانت بهائی یک «فرقه ضاله» است یا به نحوی با دیگر گروه‌های «انحرافی» و «شبه‌فرقه‌ای» مانند شیطان پرستی مرتبط است؛
- بهائیان عمال صهیونیسم یا جاسوسان اسرائیل و کشورهای غربی هستند؛
- بهائیان از نظر اخلاقی فاسد هستند و به اعمال بسیار زنده‌ای می‌پردازند؛
- آئین بهائی توسط قدرت‌های استعماری، به ویژه بریتانیای کبیر یا روسیه به وجود آمده و یا با آنها ارتباطی تاریخی دارد؛
- بهائیان در حکومت شاه نفوذ داشتند.
- اکثر این مضامین تازگی ندارند، اما در ماه‌های اخیر، چندین موضوع جدید پدیدار شده که شامل موارد زیر است:

- بهائیان محرک بروز موج مخالفت با حکومت هستند؛
- بهائیان در فعالان «ضد رژیم» حقوق بشر ایران، از جمله شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل، و دیگران نفوذ دارند؛
- بهائیان در اعتراضات روز عاشورا در دی ماه ۱۳۸۸ (دسامبر ۲۰۰۹) شرکت داشتند - یا حتی این اعتراضات را برنامه‌ریزی کردند. این مطلب اتهام داشتن اسلحه و مهمات را نیز شامل می‌شود؛
- رسانه‌های بیگانه، به ویژه بنگاه سخ‌پراکنی بریتانیا (BBC) و صدای آمریکا (VOA)، تحت نظارت یا نفوذ بهائیان فعالیت می‌کنند زیرا اخبار نقض حقوق بشر مربوط به بهائیان را پوشش می‌دهند؛
- آئین بهائی برای اغوای مسلمانان و از بین بردن ایمان آنها، از شستشوی مغزی استفاده می‌کند؛
- بهائیان از زنان جوان دارای جاذبه جنسی برای به دام انداختن پیروان تازه استفاده می‌کنند.

اما در اکثر موارد، تبلیغات ضد بهائی که در این دوره ثبت و بررسی شده، صرفاً به یک موضوع محدود نمی‌گردد. بیشتر مقالات چندین موضوع را به هم گره می‌زنند و نشان می‌دهند که حکومت برای پلیدنمائی بهائیان به دنبال چه بسیار راه‌های گوناگونی می‌گردد.

پافشاری دائمی جمهوری اسلامی در برانگیختن نفرت علیه شهروندان بهائی خود در جدول زیر نشان داده شده است. این جدول نشان می‌دهد که یک موضوع یا یک واژه خاص چند بار در مجموعه جمع‌آوری شده توسط جامعه جهانی بهائی [حدود ۴۴۰ مقاله یا گزارش سمینار یا برنامه سمعی و بصری منتشر شده در فاصله ۲۶ آذر ۱۳۸۸ تا ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ (۱۷ دسامبر ۲۰۰۹ تا ۱۶ مه ۲۰۱۱)] تکرار شده است:

درصد	تعداد مقالات	مضمون یا عبارت موجود در مقاله
۶۴٪	۲۸۱	بهائیان «ضاله»، «انحرافی» یا «شیطانی» هستند
۶۳٪	۲۷۷	بهائیان «فرقه» یا «کالت» هستند
۱۷٪	۷۶	بهائیان «صهیونیست» یا وابسته به اسرائیل هستند

دیانته بهائی ساخته دست قدرت‌های استعماری است	۵۸	۱۳٪
بهائیان در فعالان حقوق بشر نفوذ دارند	۴۳	۱۰٪
بهائیان ضد اسلام هستند	۴۱	۹٪
بهائیان با مخالفان حکومت هم‌دست هستند	۳۹	۹٪
بهائیان در فتنه دست دارند	۳۴	۸٪
بهائیان به جاسوسی اشتغال دارند	۳۴	۸٪
بهائیان بر رسانه‌های بیگانه کنترل دارند	۳۰	۷٪
بهائیان بر شاه کنترل داشتند	۲۲	۵٪
بهائیان از نظر اخلاقی فاسد هستند (در ازدواج یا روابط جنسی)	۱۶	۴٪
بهائیان قرآن را انکار و به آن بی‌حرمتی می‌کنند	۱۴	۳٪

### نمونه‌هایی مشروح از تبلیغات ضد بهائی

شاید بتوان عمق، وسعت و طبیعت خصمانه تبلیغات ضد بهائی را با ارائه چند مثال تفصیلی به بهترین شکل نشان داد. تقریباً همه این تبلیغات در مرحله اول در صدد آنند که بهائیان را با دشمنان واقعی یا خیالی نظام ربط دهند. برخی از این «دشمنان» - مانند اسرائیل یا ایالات متحده - خارج از ایران هستند، برخی دیگر داخلی هستند، چه به صورت سیاسی در جنبش سبز ظاهر شوند و چه به صورت اخلاقی در قالب این اندیشه نمایان شوند که بهائیان به گونه‌ای ارزش‌های اسلامی را تهدید می‌کنند.

اتهامات مطرح شده بر علیه بهائیان، مانند اکثر کمپین‌های تبلیغاتی، به فرضیاتی تخیلی یا وقایعی تحریف شده که حقیقت آشکار انگاشته می‌شوند، استناد می‌کند. سپس این فرضیات آن‌چنان پیچ و تاب داده می‌شوند تا به یک تهمت کاملاً بی‌اساس تبدیل گردند که ممکن است به‌صورت ظاهر، به ویژه در میان مردمی که به دیدگاه‌های متفاوت دسترسی ندارند، باورپذیر جلوه کند.

بهائیان در این مورد از دسترسی به هر گونه رسانه عمومی در درون ایران که به آنها اجازه دهد تا اتهامات بی‌اساس وارده علیه خود را توضیح دهند یا تکذیب کنند، کاملاً محروم‌اند. رسانه‌های داخل ایران در واقع از نوشتن یا پخش هر مطلبی در حمایت از بهائیان مطلقاً ممنوع هستند. مثال‌های زیر نشان می‌دهد که اگر این کنترل شدید بر رسانه‌ها وجود نداشته باشد، طبیعت پوچ و کاملاً دروغین اتهامات مطرح شده علیه بهائیان را می‌توان به آسانی افشا کرد.

### آنین بهائی یک «فرقه ضالّه و انحرافی» است

حدود ۶۴ درصد از مقالات بررسی شده توسط جامعه بهائی، حاوی مطالبی است که به آنین بهائی به عنوان یک «فرقه ضالّه و انحرافی» و حتی «شیطان‌پرستی» برچسب می‌زند. این‌گونه اشارات اغلب به صورت گذرا به‌کار برده می‌شود، مانند مقاله‌ای به تاریخ ۲۵ فروردین ۱۳۸۹ (۱۴ آوریل ۲۰۱۰) در خبرگزاری فارس که در آن به نقل از مدیرکل اوقاف و امور خیریه آذربایجان شرقی آمده است که رهبران مساجد باید نسبت به گروه‌های «انحرافی» هوشیار باشند. او گفت: «شیطان‌پرستان و وهابیون و بهائیت در حال رشد و فعالیت هستند و باید تلاش خود را در زمینه فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی مساجد افزایش دهیم.»

مقالات دیگر، با اشاره به «اهداف شیطانی» بهائیان یا با معرفی بهائیان به عنوان بخشی از یک «سیستم شیطانی»، می‌کوشند تا به نحو مشخصی آنها را وابسته به هم جلوه دهند.



مثلاً در ۲۶ آذر ۱۳۸۸ (۱۷ دسامبر ۲۰۰۹)، وبسایت رسانپوز، یک خبرگزاری محافظه‌کار که توسط روحانیان در قم اداره می‌شود، مصاحبه‌ای با حجت‌الاسلام محمد کمال‌وند که استاد حوزه و دانشگاه تبریز معرفی شده است، درباره «اهداف شوم بهائیت» منتشر کرد:

«امروز بهائیت با سرمایه عظیم مادی وارد میدان شده و تبلیغات وسیعی را به راه انداخته است... امروز بهائیت حقوق بشر و برابری انسان‌ها و پرهیز از خشونت را مطرح می‌کند، الفاضی که برای بسیاری شنیدن آنها خوشایند است اما حقیقت چیز دیگری است.»

ماهیت مکارانه این تبلیغات به راستی شگفت‌انگیز است: هر عمل نادرستی را که خود مرتکب آن هستی به قربانی منعکس کن. در ادامه مقاله هشدار داده می‌شود که «بهائیت امروز در حالی سعی در تغییر چهره پلید خود دارد که روشن شدن حقایق ماهیتی این فرقه ضاله می‌تواند روشنگر راه جوانان در برابر اهداف شیطانی دشمنان اسلام باشد.»

در اوائل سال ۱۳۸۷ (اوایل سال ۲۰۰۹) شبکه رادیویی دولتی معارف پخش یک برنامه هفتگی ضد بهائی به نام «سراب» را آغاز کرد. بنا به نوشته وبسایت «آینده روشن»، این برنامه «فرقه‌های انحرافی، بابیت و بهائیت» را بررسی می‌کند. این مجموعه که روی سخنش با جوانان است، گویا در صدد آن بود که شنوندگان را از «رابطه میان بهائیت و استعمار غربی» مطلع کند.

واضح است که هر بررسی منصفانه‌ای از آئین بهائی روشن می‌سازد که توصیف آن به عنوان یک «فرقه ضاله و انحرافی» کاملاً نادرست و تلاشی آشکار در جهت ایجاد تردید نسبت به اعتبار این آئین است. این اتهام بر مبنای این فرض سطحی استوار است که هر نگرش دینی که رسماً مورد تأیید رهبران روحانی ایران نباشد، «ضاله» است و بنابراین آئین بهائی یک دین مستقل با تعالیم و تاریخ خود نیست و صرفاً «فرقه‌ای» است که باید به اسلام «بازگردد». ولی مسئله واقعی در اینجا تعالیم آئین بهائی نیست، بلکه آن است که چرا جمهوری اسلامی به خود این حق را می‌دهد که به جای احترام به آزادی شهروندان خود در مسائل وجدانی و عقیدتی، آنان را در این گونه مسائل محکوم و بدنام کند.

### اتهام «شبه‌فرقه» بودن

از جمله موضوع‌هایی که اخیراً در ذهن خلاق عاملان تبلیغات جمهوری اسلامی جای گرفته آن است که دیانت بهائی یک نوع «فرقه» تجاوزکار است که به کارهایی چون «شنسنشوی مغزی» و کنترل زندگی پیروان غافل خود می‌پردازد.

پژوهشگرانی که این روند تازه را مطالعه کرده‌اند بر آن نظرند که ایران می‌کوشد تا با فراتر رفتن از حملات عقیدتی سنتی، از طریق اتهاماتی با رنگ و بوی امروزی‌تر، حمله خود بر بهائیان را وسعت بخشد و هدفش از این کار آن است که ایرانیانی را که به نحو فزاینده‌ای به سوی لائی‌گرایی پیش می‌روند، نسبت به بهائیان متعصب سازد. پژوهشگران مزبور اشاره می‌کنند که لحن مورد استفاده در تبلیغات برای جلوه دادن دیانت بهائی به صورت یک فرقه، همان لحن کلام ضدفرقه‌ای است که روان‌شناسان غربی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ (دهه ۱۹۷۰) در مطالعه و رده‌بندی جنبش‌هایی مانند کلیسای وحدت کثیسی سون میونگ مون به کار می‌بردند.

اندیشه‌های زیر در کتاب مورد بحث گنجانده شده است:

- در آئین بهائی فساد اخلاقی مورد ترویج و تشویق قرار می‌گیرد،
- تماس با روحانیون برای پیروانش ممنوع شده است،
- کودکان شنسنشوی مغزی می‌شوند،
- بهائیان طی جنگ ایران و عراق آرزوی مرگ مسلمانان را داشتند، و
- بهائیان از درگذشت امام خمینی خشنود بودند.

این موضوع‌ها به‌وضوح برای برانگیختن احساسات مسلمانان شیعه متدین طراحی شده‌اند.

جلوه دادن آئین بهائی به صورت یک فرقه تجاوزکار را همچنین در اظهارات اخیر تعدادی از مقامات بالای حکومتی، مانند محمد جواد لاریجانی - یک مقام قضائی که به عنوان رئیس شورای ملی حقوق بشر، هیئت نمایندگان ایران در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) را رهبری کرد، می‌توان مشاهده نمود.

در آرمه ۱۳۸۹ (نوامبر ۲۰۱۰)، چندین وبسایت ایرانی مصاحبه‌ای از پرس‌توی با آقای لاریجانی را منتشر کردند. در این مصاحبه آقای لاریجانی می‌گوید آئین بهائی یک شبه‌فرقه یا کالت است که - علاوه بر چیزهای دیگر - به

پیروان جدید اجازه ترک دین را نمی‌دهد. این تهمت است که هم کاملاً نادرست است و هم نشانه معیار دوگانه و تبعیض-آمیز قوانین جمهوری اسلامی است که مقرر می‌دارد مسلمانانی<sup>۲</sup> که از دین خود «خارج» می‌شوند، «مرتد» هستند و ممکن است با مجازات مرگ روبرو شوند.



تصویر بالا در چندین وبسایت ضد بهائی به نمایش گذاشته شده است. تصویر، ستایش‌کننده یک فرقه را در حال تعظیم در برابر سنگ قبرهای مشتعلی نشان می‌دهد که بر روی عکسی از در ورودی آرامگاه حضرت بهاءالله منطبق شده است. بهائیان طبعاً چنین تصویری را مشمئزکننده می‌یابند، همچنان که پیرو هر دینی که مقدس‌ترین زیارت‌گاهش به این صورت نشان داده شده باشد همین احساس را خواهد کرد. در زیر تصویری است واقعی از همان مکان (آرامگاه حضرت بهاءالله) که در سال ۲۰۰۸ توسط یونسکو به عنوان یک میراث جهانی و دارای «ارزش جهانی بارز» شناخته شد.



در آذرماه ۱۳۸۹ (نوامبر ۲۰۱۰)، چندین وبسایت ایرانی مصاحبه‌ای از پرس تی‌وی با آقای لاریجانی را منتشر کردند. در این مصاحبه آقای لاریجانی می‌گوید آئین بهائی یک شبه‌فرقه یا کالت است که - علاوه بر چیزهای دیگر - به پیروان جدید اجازه ترک دین را نمی‌دهد. این تهمت است که هم کاملاً نادرست است و هم نشانه معیار دوگانه و تبعیض-

<sup>۲</sup> نگاه کنید به مقاله زیر در تلگراف: "Hanged for Being a Christian"

<http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iran/3179465/Hanged-for-being-a-Christian-in-Iran.html>



آمیز قوانین جمهوری اسلامی است که مقرر می‌دارد مسلمانانی<sup>۳</sup> که از دین خود «خارج» می‌شوند، «مرتد» هستند و ممکن است با مجازات مرگ روبرو شوند.

این واقعیت که آقای لاریجانی خود مسئول ترویج حقوق بشر است، عمق بدبینی زیربنایی این تبلیغات نفرت برانگیز و کوشش در استفاده از آن برای مشروعیت بخشیدن به رفتار ضد حقوق بشری را نشان می‌دهد. آنچه در زیر می‌آید قسمت‌هایی از متن این مصاحبه است:

«در ایران بهائیت یک دین نیست. یهودیان یک اقلیت دینی هستند و حتی در مجلس نماینده دارند. مسیحیان اقلیت هستند و در مجلس نماینده دارند. زرتشتیان اقلیت هستند. بهائیان یک کالت هستند و مشمول قانون برخورد با کالت‌های مختلف‌اند. این کالت تا جایی که پیروان خود را از خروج از فرقه منع نمی‌کند، برتابیده می‌شود. بنابراین می‌توانید بهائیان را در دانشگاه‌ها بیابید، به عنوان دانشجو و استاد. بیش از ۳۰۰ بهائی در دانشگاه‌ها وجود دارند و اساتید [بهائی نیز] وجود دارند. آنها مردمان بسیار دارایی هستند؛ کارخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ دارند. پس طبق قانونی که به «قرارداد شهروندی» از آن یاد می‌کنیم، مورد حمایت قانون هستند، بدون توجه به دین شان. تا جایی که درون ساختار قانونی باشد، از همه حمایت‌ها [ی قانونی] برخوردارند. اما مشکل از آنجا شروع می‌شود که آنها به صورت کالتی که در بسته و محصور است شروع به عمل می‌کنند، به این معنا که افراد می‌توانند وارد آن شوند، اما نمی‌توانند خارج شوند. و ما موارد بی‌شماری [از این دست] داریم؛ بعضی از بهائیان جوان که می‌خواستند این کالت را ترک کنند و می‌گفتند این برای ما معنا ندارد، به جلساتی خوانده شده‌اند و به آنها اخطار داده شده که اگر این کالت را ترک کنند، مجازات خواهند شد، از همه میراث اجدادی محروم خواهند شد و تحت فشار قرار خواهند گرفت. بنابراین اینجا قانون وارد عمل می‌شود و مانع استفاده از این اندازه انحصارگرایی یا رویه کالتی سلطه‌جویانه خواهد شد.

هر کالتی، چه بهائی باشد و چه شیعه فرقی ندارد، توسط قانون ممنوع خواهد شد. ما موارد بی‌شماری از اعمال کالتی حتی در گروه شیعه داشتیم. افرادی زندانی شده‌اند چون مردم را در مزارعی می‌گذاشتند و به آنها اجازه خروج نمی‌دادند. پس ما با هر نوع فعالیت کالتی که پیروان خود را از آزادی خروج از کالت منع کند مبارزه خواهیم کرد، چه شیعه باشد و چه بهائی، فرقی ندارد.»

در دیگر مقالات اخیر گفته می‌شود که بهائیان به افراد «وجه نقد» پیشنهاد می‌کنند تا به بهائیت ملحق شوند،<sup>۴</sup> تلاش‌های بهائیان برای آموزش کودکان با هدف «تلقین» و شناسایی مغزی برای وادار کردن کودکان به «اطاعت کورکورانه» برنامه‌ریزی شده تا آنها بتوانند به سبکی مرموز، «مخفیانه و پنهانی» فعالیت کنند.<sup>۵</sup> بعضی از این مقالات چنان بدبینانه هستند که به رمان ۱۹۸۴ نوشته جرج آرول شباهت دارند.

برای تخیلات ضد و نقیض متخصصان تبلیغات وحشت‌آفرین در ایران پایانی وجود ندارد. آنان به شدت می‌کوشند تا تعصب و عدم مدارا را برانگیزند و در عین حال کار خود را علاقه به حقوق بشر جلوه دهند.

## بهائیان، صهیونیست یا عاملان اسرائیل و دیگر کشورهای غربی هستند

یک موضوع معمول‌تر و قدیمی‌تر آن است که بهائیان به نحوی عاملان اسرائیل یا «صهیونیست» معرفی می‌شوند. این اتهام به اولین روزهای انقلاب اسلامی - و حتی پیش از آن - بازمی‌گردد.

<sup>۳</sup> نگاه کنید به مقاله زیر در تلگراف: "Hanged for Being a Christian"

<http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/iran/3179465/Hanged-for-being-a-Christian-in-Iran.html>

<sup>۴</sup> ۲ آبان ۱۳۸۹ (۲۴ اکتبر ۲۰۱۰) خبرگزاری تابناک:

<http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=126959>

<sup>۵</sup> ۱۹ آبان ۱۳۸۹ (۱۰ نوامبر ۲۰۱۰) گزارشی از جوان آنلاین نوشته سید کاظم موسوی:

<http://www.javanonline.ir/vdcfyjdjjw6d0va.igiw.txt>

البته زدن این اتهام کمک می‌کند تا بهائیان را دشمنان جمهوری اسلامی و، به طور کلی‌تر، دشمنان همه مسلمانان، از جمله فلسطینی‌ها معرفی کنند. این اتهام همزمان از تعصبات موجود علیه ایرانیان یهودی و توسل روز افزون به تبلیغات ضد یهودی، مانند انکار هولوکاست توسط رئیس جمهور محمود احمدی‌نژاد، به طور مؤثر بهره‌برداری می‌کند.

تبلیغات‌گران ایرانی از این که مرکز جهانی بهائی و تعدادی از اماکن مقدّس مهم آئین بهائی در اسرائیل می‌باشد، بسیار سوء استفاده می‌کنند. آنچه این عده از ذکرش سر باز می‌زنند آن است که این موقعیت تاریخی عمدتاً توسط حاکمان گذشته ایران به وجود آمده است: بهاء‌الله، مؤسس آئین بهائی، در سال ۱۲۴۷ شمسی (۱۸۶۸ میلادی) به درخواست حکومت وقت ایران و به فرمان دولت عثمانی به قلعه عکا، زندانی در سرزمین عثمانی که اکنون درون مرزهای اسرائیل جای دارد، تبعید شد و همین امر بود که به قرار گرفتن آرامگاه‌های مقدّس بهائی و تأسیس مرکز جهانی بهائی در حیفا، شهر مجاور عکا، انجامید. از سال‌های آخر زندانی بودن بهاء‌الله در عکا تا به امروز، جامعه بهائی در حقیقت مورد احترام مردم آن ناحیه بوده و از روابط دوستانه با همه، از هر پیشینه دینی، برخوردار بوده است. در واقع عمدتاً به خاطر تلاش‌های عبدالبهاء، فرزند بهاء‌الله، در زمینه زراعت بود که خطر قحطی‌ای که در سال‌های جنگ جهانی اول مردم فلسطین را به نابودی تهدید می‌کرد، برطرف شد. حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر اعم از مسیحی، دروزی، یهودی و مسلمان در مراسم خاکسپاری ایشان در سال ۱۳۰۰ (۱۹۲۱) شرکت کردند. امروزه بهائیان در آن سرزمین مقدّس همواره به حمایت از فعالیت‌های بین‌ادیانی و میان‌فرهنگی در حمایت از همزیستی مسالمت‌آمیز دینی ادامه می‌دهند.



بسیاری از مقالات ضد بهائی از نمادهای اسرائیلی به‌طور گسترده استفاده می‌کنند، مثل این مونتاز با عکس پرچم اسرائیل که در داستان ۸ سپتامبر ۲۰۱۰ در باره این که بهائیان چگونه از آب سردکن‌ها برای جلب پیروان تازه استفاده می‌کنند، به کار برده شد. [رجوع کنید به صفحه ۲۴]

اما با وجود این حقیقت تاریخی، از زمان تأسیس اسرائیل امروزی، بهائیان ایران با سؤالاتی درباره وفاداری و وابستگی خود به آن مواجه بوده‌اند. مخالفت با صهیونیسم توأم با تعصب دینی اسباب موجب شده بهائیان ایران به خاطر ارتباطشان با شهر حیفا به ضد اسلام بودن متهم شوند. برای مثال در دهه ۴۰ (دهه ۱۹۶۰)، یک گروه از ملایان، بهائیان را به «دلالی» دولت اسرائیل متهم کردند.<sup>۱</sup> پس از به دست گرفتن قدرت توسط روحانیان در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) و تأسیس جمهوری اسلامی، این لفاظی بهائی‌ستیزانه به شدت اشاعه پیدا کرد.

در اولین سال‌های پس از انقلاب، در بازجویی‌ها سؤالاتی از این قبیل از بهائیان پرسیده می‌شد: «چقدر پول به اسرائیل فرستادید؟»<sup>۲</sup> تعدادی از بهائیان به اتهام پوشالی «جاسوسی» برای اسرائیل اعدام شدند. اخیراً در دادگاه جنجالی هفت مدیر جامعه بهائی در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) نیز از جمله اتهامات مطرح شده علیه آنان «جاسوسی» برای اسرائیل بود. آنها را به این اتهام و اتهامات دروغین دیگر به ۲۰ سال زندان محکوم و زندانی کردند.

در مدّت‌زمان مورد بررسی، این اتهام که بهائیان، صهیونیست یا دست‌نشانندگان اسرائیل هستند در بیش از ۷۵ مقاله مندرج شد.

برای مثال در مقاله‌ای به تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۸۸ (۱۰ مارس ۲۰۱۰) در وبسایت خبری رسا، به نقل از حجت‌الاسلام علی جدید بناب آمد: «اسرائیل غاصب نفوذ خود در ایران را به‌واسطه فرقه ضاله بهائیت در ایران عمیق کرد، بهائیت رابط شاه و اسرائیل بود و نفوذ گسترده‌ای قبل از انقلاب در ایران داشت.»

<sup>۱</sup> مراجعه کنید به «بهایی ستیزی و اسلامگرایی در ایران» نوشته محمد توکلی، صفحه ۲۲۲، بخشی که در آن به حملات متوجه اسرائیل در سال ۱۹۶۳ پرداخته می‌شود.

در این مقاله حجت‌الاسلام بناب به عنوان مدیرکل سابق تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی و مؤلف «عرصه صهیونیسم پژوهی» معرفی شده است. مقاله با نقل قول زیر از او ادامه می‌یابد:

«بهائیت به عنوان عامل دست‌نشانده اسرائیل غاصب در ایران شرايطی را به وجود آورد که ایران به عنوان دومین کشور، اسرائیل را به رسمیت شناخت و این نفوذ در حساس‌ترین پست‌های اداری ایران نیز ادامه یافت... دشمنی صهیونیسم با ایران اسلامی نیز در راستای همان دشمنی با اسلام بود که در سال‌های گذشته به وفور مشاهده می‌شود.»

یک سریال مستند تلویزیونی که از سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۸) از تلویزیون رسمی شبکه خیر صدا و سیما پخش می‌شد، با مطرح کردن تئوری‌های تحریک‌آمیز و کاملاً بی‌معنای توطئه، به اشاعه این اندیشه کمک کرد. این سریال که «راز آرماگدون» نام دارد، تئوری‌های توطئه متنوعی درباره اسرائیل ارائه کرده است. سه قسمتی که در ۲۹ و ۳۰ دی و ۱ بهمن ۱۳۹۰ (۱۹، ۲۰ و ۲۱ ژانویه ۲۰۱۱) پخش شد، بر آئین بهائی متمرکز بود. از جمله مسائلی که در این قسمت‌ها مطرح شد موارد زیر بود:

- «فرقه ضالّه بهائیت» در طول رژیم سلطنتی به عنوان بازوی صهیونیسم بین‌المللی عمل می‌کرد تا در ارکان سیاسی، نظامی و فرهنگی رژیم شاه به صورت روشمند نفوذ کند؛ با تلاش‌های «فرقه ضالّه بهائیت»، استراتژی [اسرائیل] پیش از انقلاب اسلامی آن بود که ایران به یک اسرائیل دوم تبدیل شود؛
- «منابع موثق» تأیید می‌کنند که این «فرقه ضالّه» و عاملانش در دو قرن گذشته با هدف محو و نابود کردن اسلام در چند واقعه به طور مستقیم شرکت داشتند.

اتهامات معمول راجع به این که آئین بهائی توسط قدرت‌های استعماری به ویژه بریتانیا یا روسیه به وجود آمده و یا حداقل ارتباطی تاریخی با آنها دارد، ساخته تبلیغات‌گران ضد بهائی است. هیچ مورخ معتبری با هر مرامی، هرگز بر این تئوری‌های دور از ذهن صحه نگذاشته است، تئوری‌هایی که می‌کوشند دیانتی را که از ایران برخاسته «دسیسه بیگانگان» جلوه دهند و یا این فرضیه دور از عقل را مطرح کنند که این آئین از آغاز پیدایش‌اش ساخته و پرداخته قدرت‌های امپریالیست انگلیسی و روسی - با وجود دشمنی و رقابت شدید میان آن دو - بوده، و امروزه دست‌خوش چنان دگر دیسی‌ای شده که تمامی یک جامعه دینی ۳۰۰۰۰۰ نفره، از جمله کودکان‌شان، به عنوان عمال حکومت‌های آمریکا یا اسرائیل عمل می‌کنند.

با توجه تمرکز جمهوری اسلامی بر این اتهام علیه جامعه بهائی، جای تأمل است که حکومت ایران طی بیش از ۳۰ سال نتوانسته است کوچک‌ترین مدرکی مبنی بر جاسوسی بهائیان برای اسرائیل یا دیگر حکومت‌های خارجی، به هر شکل و نحوی، ارائه دهد. نظریه‌های مبتدلی که بهائیان را بخشی از «دسیسه صهیونیسم» برای محو و نابود ساختن اسلام معرفی می‌کند، چیزی نیست جز انعکاس و رشک‌ستکی اخلاقی کسانی که باید قدرت خود را از طریق اشاعه نفرت حفظ کنند.

### بهائیان محرک خیزش موج مخالفت برضد حکومت هستند

موضوع دیگری که در مقالات جمع‌آوری شده در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ و اوایل ۲۰۱۱) دیده می‌شود، این تصور است که بهائیان به نوعی محرک ظهور موج مخالفت علیه حکومت هستند یا بر فعالان حقوق بشر مانند برنده جایزه صلح نوبل، شیرین عبادی، زیاده از حد نفوذ دارند. در بیش از ۵۰ مقاله منتشر شده در دوره مورد بررسی سعی شده است بهائیان را به نحوی به «مخالفان» حکومت در انتخابات بسیار بحث‌انگیز ریاست جمهوری ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) ارتباط دهند.

به نظر می‌رسد این تلاشی دو منظوره در تبلیغات ضد بهائی است: با مرتبط ساختن بهائیان با مخالفان می‌خواهند هر دو گروه را در اذهان حامیان حکومت و متعصبان مذهبی بی‌اعتبار و بدنام کنند.

به نظر بسیاری از ایرانیان آنچه «جنبش سبز» ایران خوانده می‌شود، تنها ائتلافی سطحی بین چند گروه، قبل، در حین، و بعد از انتخابات ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) نیست. به نظر آنان این پدیده یک جنبش اجتماعی و یک ائتلاف گسترده‌تر جامعه مدنی است که سال‌ها در حال شکل‌گیری بوده است. فراتر از مناقشه برخاسته از شمارش آراء، میلیون‌ها معترض بدون خشونت در خیابان‌های شهرهای ایران صرفاً خواهان حقوق بشر و دموکراسی بودند که بی‌شبهت به جنبش‌هایی که به بهار عرب انجامید، نبود. ترس بی‌اندازه‌ای که رژیم از امکان خیزش و گسترش دوباره تلاش‌ها برای به چالش کشیدن قدرت خود دارد - مانند آنچه در دیگر بخش‌های منطقه رخ داد - یکی از دلایلی است که نظام تا این حد مشتاق است خواسته‌های مردم برای آزادی را با استفاده وسیع از تبلیغات ضد بهائی بی‌اعتبار سازد. این تبلیغات صرفاً بهانه‌ای

برای مشروعیت بخشیدن به سرکوب خشونت‌بار شهروندان ایرانی است و شاید این مسئله را روشن می‌کند که چرا احترام به حقوق بشر بهائیان ارتباط نزدیکی با وضعیت کلی حقوق بشر در ایران دارد.

در عین حال که بهائیان در سراسر دنیا فعالانه به پشتیبانی از پیشرفت و عدالت اجتماعی مشغول‌اند، اما بر اساس اصول دینی خود از شرکت در سیاست‌های حزبی منع شده‌اند. در حالی که آزاد هستند تا به کاندیداهای مورد نظر خود رأی دهند، تعالیم آنها مانع شرکت‌شان در سازمان‌دهی احزاب سیاسی یا دیگر جنبه‌های فعالیت سیاسی حزبی است. این مسئله در همه انتخابات ملی ایران، از جمله انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹)، صادق بوده است. این ادعا که بهائیان به نوعی محرک مخالفت با حکومت ایران هستند - علاوه بر ارتباط دادن آنان با بسیاری از توطئه‌ها و طرح‌های شرارت‌بار دیگری که به آنها نسبت داده می‌شود - تلاشی کاملاً آشکار برای منحرف ساختن انتقادات از مشکلات اجتماعی و اقتصادی فزاینده پیش روی ملت ایران است.

این تلاش برای خفه کردن اختلاف نظر به جای گفتگوی مسالمت‌آمیز با مردم ایران، جاری شدن سیل تبلیغات ضد بهائی در دوره پس از اعتراضات روز عاشورا در دی ماه ۱۳۸۸ (دسامبر ۲۰۰۹) را توضیح می‌دهد. در بیشتر این تبلیغات گفته می‌شد که بهائیان عمیقاً در اعتراضات دخالت داشتند.

به عنوان مثال «کیهان» در ۲۱ دی ۱۳۸۸ (۱۱ ژانویه ۲۰۱۰) مقاله‌ای منتشر کرد که بهائیان را نه فقط به شرکت در آن اعتراضات بلکه به «هدایت» آن متهم می‌کرد.<sup>۸</sup>

این مقاله با عنوان «اتاق فکر فتنه سبز بهائی در آمد» شروع می‌شود، و در ادامه ادعا می‌کند که «سر نخ‌های تازه‌ای از نقش فعال حزب استعماری بهائیت در مدیریت فتنه سبزه دست آمد.»

مقاله سپس به «دستگیری ۱۰ تن از سرکردگان ... بهائیت» در رابطه با اعتراضات اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد در اینجا دستگیری غیرقانونی ده بهائی در ۱۳ دی ۱۳۸۸ (۳ ژانویه ۲۰۱۰) به اتهام نقش داشتن «در سازماندهی آشوب‌های روز عاشورا» و به ویژه «ارسال تصاویر این آشوب‌ها به خارج از کشور» مورد نظر بوده است. تعدادی از دستگیرشدگان به داشتن سلاح و مهمات در خانه‌هایشان نیز متهم شدند. این ده نفر هرگز به جرائم مذکور، که جامعه جهانی بهائی آنها را «دروغ آشکار» اعلام کرد، محکوم نشدند.

دیان علائی، نماینده جامعه جهانی بهائی در سازمان ملل در ژنو، در آن زمان در رابطه با این اتهامات گفت: «یکی از اصلی‌ترین مبنای اعتقادی بهائیان باور آنها به عدم خشونت به معنای مطلق کلمه است. هر اتهامی مبنی بر این که ممکن است در خانه‌های آنها اسلحه یا گلوله جنگی پیدا شده باشد مطلقاً باورنکردنی است.»

به نظر می‌رسد هدف از این اتهامات صرفاً توجیه دستگیری بهائیان و سرکوب گسترده‌تر هر گونه اختلاف نظر موجود بود. مطالعه مقالاتی که پس از روز عاشورای ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) منتشر شد رابطه بین تبلیغات و دستگیری‌ها را روشن می‌کند:

مقاله «کیهان» چنین ادامه می‌دهد:

«به دنبال دستگیری ۱۰ تن از سرکردگان و اعضای فرقه انحرافی و استعماری بهائیت در جریان حرمت شکنی روز عاشورا، سایت 'جرس' با دستپاچگی اعلام کرد: این افراد طی برنامه‌ای تلویزیونی اعتراف خواهند کرد که به دستور هیئت مرکزی جامعه بهائیان در تظاهرات روز عاشورا شرکت کرده‌اند[!]. ...»

شبکه ضد انقلابی جرس طی چند روز اخیر از یک سو تلاش کرده حزب استعماری و فراماسونری بهائیت را مخالف خشونت و از سوی دیگر آشوبگران و حرمت‌شکنان روز عاشورا را غیر محارب و معترض مدنی معرفی کند. این سایت البته توضیح نداده که اگر بهائیان مخالف خشونت و دخالت در سیاست هستند، پس در معرکه‌گیری رسوای ضد انقلاب در روز عاشورا و معارضة با اسلام و نظام اسلامی و امام حسین علیه‌السلام چه غلطی می‌کرده‌اند.

دستپاچگی کم سابقه و مطالب اخیر سایت جرس از آن جهت قابل تأمل است که گردانندگان اصلی آن ارتباطات ویژه‌ای با بهائیت و بهائیان دارند. به عنوان مثال محسن کدیور روحانی‌نمای فراری و مقیم آمریکا تلاش گسترده‌ای را انجام داد تا سرانجام با فریب آقای منتظری توانست از وی فتوایی درباره حقوق بهائیان بگیرد! این اقدام در طول تاریخ شیعه بی سابقه بود... عناصری نظیر عبدالکریم سروش و اکبر- گاف [اکبر گنجی] نیز طی سال‌های اخیر در انکار نبوت و الهی بودن قرآن و هجمه اعتقاد به مهدویت، خدمات شایانی به سران بهائیان و اربابان انگلیسی- آمریکایی آن کرده‌اند، عطاءالله مهاجرانی (شوهر خواهر کدیور) از دیگر گردانندگان شبکه جرس است. برخی خبرهای منتشره در سال

<sup>۸</sup> <http://kayhannews.ir/881021/2.htm#other212>

گذشته، حاکی از بهایی بودن برخی بستگان کندیور است. این تیم به تازگی با صدور بیانیه‌ای، خود را اتاق فکر جنبش سبز معرفی کردند.»

در ادامه، مقاله بعد از معرفی دیان علائی به عنوان نماینده جامعه بهائی «در بیرون از کشور»، از وی نقل قول می‌کند که به حقیقت می‌گوید باور بهائیان به «عدم خشونت به معنای مطلق کلمه است». اما سپس مقاله در نقض گفته او چنین ادامه می‌دهد: «بسیاری از سران سفاک ساواک و ارتش و شهربانی در رژیم پهلوی از بهائیان شناخته شده بودند.» و در پایان می‌نویسد «شایان ذکر است مقر بهائیان در فلسطین اشغالی (حیفا) قرار دارد و رژیم صهیونیستی رسماً آنها را مدیریت می‌کند.»

شاید این مقاله تصویر بسیار مفیدی باشد از ترکیب جرائم تخیلی که به بهائیان نسبت داده می‌شود. این مقاله سعی می‌کند بهائیان را نه تنها به جنبش سبز، بلکه به ساواک (یک اتهام قدیمی دیگر) و اسرائیل نیز نسبت دهد و می‌کوشد این اندیشه را که بهائیان به عدم خشونت پای‌بندند - چیزی که در سراسر ایران و جهان به خوبی شناخته شده است - زیر سؤال ببرد.

این که میلیون‌ها ایرانی در تابستان ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) به تحریک بهائیان در خیابان‌ها دست به اعتراض زدند، ادعای مضحکی است که کوچکترین مدرکی در اثباتش وجود ندارد. اتهام کشف مهمات یا اسلحه متعلق به بهائیان در ارتباط با اعتراضات روز عاشورا نیز به همان اندازه نامعقول است. این نیز تلاش نومیدانه دیگری برای ارائه تصویر یک گروه تروریستی از یک جامعه کاملاً صلح‌جو است، در حالی که حتی کوچکترین سندی مبنی بر دست داشتن حتی یک بهائی، حتی یک بار، در هر گونه خشونت طی سی سال گذشته وجود ندارد.

### بهائیان از نظر اخلاقی فاسد هستند

فکر دیگری که در تبلیغات ضد بهائی تکرار می‌شود آن است که بهائیان به نوعی فساد اخلاقی دچارند و به اعمالی می‌پردازند که اهانت به مسلمانان است. بر خلاف این ادعا بهائیان در سراسر جهان به تلاش برای پیروی از موازین و الای اخلاقی و خدمت به جوامع پیرامون خود معروف هستند.

مقالاتی که بهائیان را به فساد اخلاقی متهم می‌کند، اغلب در قالب هشدار به مسلمانان در برابر تلاش‌های بهائیان برای ترویج آئین بهائی ظاهر می‌شوند، مانند مقاله‌ای که در ۱۷ شهریور ۱۳۸۹ (۸ سپتامبر ۲۰۱۰) در تارنمای «جوان-آنلاین» و چندین منبع خبری دیگر وابسته به دولت منتشر شد<sup>۹</sup>:

«فرقه بهائیت به تازگی برای جذب جوانان در بعضی از مناطق گرمسیری کشور به ارسال تعدادی آب سردکن مبادرت می‌کند.

شیعه آنلاین نوشت: فرقه ضاله بهائیت برای جذب نیرو به اجاره مغازه و باغات در محمدشهر و عباس‌آباد و اطراف کرج روی آورده است. برخی از این فعالیتها با همکاری تعدادی از اتباع بیگانه صورت می‌پذیرد.

سرو مشروبات الکلی، رقص، پایکوبی و برگزاری جشن‌های مختلف از جمله اقدامات این گروه ضاله است. این افراد [بهائیان] پیش از این نیز در روز نیمه شعبان [روز تولد امام دوازدهم] با نمادهای شیطان‌پرستی در معابر عمومی حاضر شده بودند. برخی از این علائم بر روی انگشتر و گردنبند اعضای فرقه حک می‌شود.

جالب اینکه فرقه مذکور برای جذب جوانان در بعضی از مناطق گرمسیر 'جنوب و جنوب شرقی' کشور به ارسال تعدادی آب سردکن مبادرت می‌کند.»

این مقاله چندین مضمون را به صورت همزمان مطرح می‌کند: این که بهائیان با بیگانگان ارتباط دارند، با مشروبات الکلی که در اسلام (و نیز در آئین بهائی) حرام است، پذیرایی می‌کنند، و این ادعای مضحک که در یک روز مقدس برای شیعیان که در آن احساسات مذهبی شدت می‌گیرد، بهائیان «نمادهای شیطان‌پرستی» به تن می‌کنند. همچنین ادعا می‌شود که بهائیان در اشتغال به فعالیت‌های انسان‌دوستانه نیز اهداف پلیدی در سر دارند. کار خیر به صورت جنایت جلوه داده می‌شود، آن هم در جامعه‌ای که با وجود غنای نفتی چشمگیرش، با بیماری‌ها، فقر شدید و مشکلات دیگر درگیر است.

<sup>۹</sup> <http://www.javanonline.ir/vdce1xq002bqs18.ala2.html>

در مقالات افتراآمیز دیگر، بهائیان به اعمالی مانند ازدواج و روابط جنسی با اعضای خانواده خود متهم می‌شوند. مقاله‌ای که در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ (۱ مه ۲۰۱۱) در شبکه خبری طرفدار رژیم «خبرگزاری دانشجویان» منتشر شد نیز مطالب بسیاری را یکجا تلقین می‌کند. مقاله با ابراز نارضایتی از انتقاد موجود در گزارش کمیسیون آزادی جهانی ادیان در آمریکا نسبت به رفتار ایران با بهائیان آغاز می‌شود و در ادامه می‌نویسد:

«در این گزارش تاکید زیادی بر لزوم آزادی فعالیت بهائیان و صوفیان گردیده و از برخوردهای جمهوری اسلامی با بهائیان ابراز نارضایتی شده است.

فرقه بهائیت ۱۷۲ سال پیش توسط استعمار انگلیس ساخته شد و پس از تشکیل اسرائیل با همراهی انگلستان، این فرقه به دلیل سرسختی و عداوت علیه اسلام و قرآن مورد توجه اسرائیل قرار گرفت و اموال آنها تحت حمایت درآمد و از مالیات معاف شد...

در آموزه‌ها و احکام این فرقه موارد زیادی از اعمال غیر اخلاقی وجود دارد؛ به عنوان مثال در بهائیت ازدواج تنها با زن پدر ممنوع است. اما آنها آزادند که با دختران، خواهران، خاله‌ها، عمه‌ها و دایی‌ها و عموهایشان ازدواج کنند. آنها آزادند که با آنها روابط جنسی داشته باشند.»

مقالات دیگر منتشر شده در دوره مورد بررسی این اتهام را مطرح کرده‌اند که بهائیان از «جذائیت جنسی» زنان جوان برای اغوای مسلمانان و منحرف کردن آنها از دین‌شان استفاده می‌کنند.

این بار نیز کوچکترین مدرکی در تأیید فساد اخلاقی بهائیان وجود ندارد، تا چه رسد به هر گونه توضیحی درباره علت این که چرا یک حکومت برای توجیه محروم کردن شهروندان خود از حقوق اولیه انسانی‌شان، باید چنین اتهاماتی علیه آنان مطرح کند. یکی از زمینه‌های وارد آوردن این اتهام که خود حکومت با اقدامات خود به وجود آورده آن است که ازدواج بهائی توسط حکومت به رسمیت شناخته نمی‌شود و بر اساس این عدم رسمی شناختن ازدواج‌شان اتهامات بی‌بند و باری جنسی و روابط جنسی خارج از ازدواج مطرح می‌شود. اگر جمهوری اسلامی به صورت جدی نگران این وضعیت است، می‌تواند کار را با رسمیت بخشیدن به ازدواج‌های بهائی در قانون ایران شروع کند.

با جلوه دادن برابری حقوق زن و مرد، که یکی از تعالیم بهائی است، به عنوان «آمیزش مردان و زنان» یا «ترویج فمینیسم» به جای ستایش از این اصل آن را یک عمل غیر اخلاقی یا یک اقدام مجرمانه جلوه می‌دهند. به این ترتیب، در اخلاقیات و آرونة تبلیغات‌گران نظام، تعهد بهائیان به پیشرفت و عدالت اجتماعی وسیله‌ای برای غیر اخلاقی جلوه دادن آنان می‌شود.

کمپین پلیدنمائی بهائیان حتی کودکان را هم در بر می‌گیرد. در سال ۲۰۰۸ در یک اقدام شرم‌آور با هدف القاء تعصب علیه بهائیان در کودکان، اولیای مدارس در شهر شیراز در روز آخر سال تحصیلی، پاکت سر بسته‌ای را با یک «هدیه» از طرف یک مؤسسه مطبوعاتی محلی به هریک از دانش آموزان دوره دبستانی اهدا کردند. در این پاکت یک کتاب داستان مصور ۱۲ صفحه‌ای برای کودکان با عنوان «بابک دغل کار» گذاشته شده بود که در لفافه داستان حضرت باب، مبشر دین بهائی را با دروغ‌پردازی و لحنی موهن و تمسخرآمیز ارائه می‌داد.

## ۴ ارتباط میان تبلیغات و خشونت

در دنیای امروز موارد بسیاری وجود دارد که رابطه نزدیک میان ایجاد نفرت و بروز خشونت علیه اقلیت‌های آسیب پذیر را نشان می‌دهد. در موارد افراطی، مثل رواندا و یوگسلاوی سابق، چنین تحریک‌هایی حتی به «پاک‌سازی قومی» و نسل‌کشی منجر شد. در مورد ایران، تبلیغات تنفر برانگیز با بروز حملات خشونت‌آمیز علیه بهائیان و علیه املاک بهائی همراه بوده است، رویدادهایی که به گفته حکومت توسط افراد و گروه‌های ناشناس انجام می‌گیرد. اما علاوه بر این حملات، افزایش تعداد دستگیری‌ها، بازداشت‌ها، زندانی کردن‌ها و توقیف اموال شاهد آشکاری از نقش حکومت یا مأموران حکومتی در این امور است.

در اینجا مثالی از یک چنین حمله‌ای بر یک بهائی در دوره مورد بررسی ذکر می‌شود: در مهر ۱۳۸۹ (سپتامبر ۲۰۱۰)، یک بهائی اهل ساری که محکومیت تبعید خود را در شهر اقلید می‌گذراند، توسط دو مهاجم ناشناس به شدت مورد حمله قرار گرفت. مأموران پلیس هر چند خیلی زود به محل حادثه رسیدند اما گفتند که چون مهاجمان شناسایی نشده‌اند، نمی‌توانند هیچ اقدامی انجام دهند. مقامات محلی در آغاز تبعید به آن فرد بهائی گفته بودند که نباید با مردم اقلید تعامل داشته باشد «زیرا شهروندان اقلید بسیار محافظه‌کار و نسبت به این دین متعصب هستند و به نفع او نیست که به عنوان یک بهائی شناخته شود چون ممکن است برایش خطری پیش بیاید.»



در سال‌های اخیر، علاوه بر حمله به افراد، شاهد موجی از حملات - اکثراً آتش‌افروزی و تخریب محل کسب و کار و خانه و املاک بهائیان بوده‌ایم. این یورش‌ها تقریباً در همه بخش‌های کشور و اغلب در پوشش شب رخ داده‌اند.



یک مغازه متعلق به یک شهروند بهائی در شهر رفسنجان ایران توسط آتش‌افروزان هدف قرار گرفت. از ۳ آبان ۱۳۸۹ (۲۵ اکتبر ۲۰۱۰) به بعد چندین محل کسب و کار بهائیان در این شهر در موجی از حملات به شدت ویران شد. این حملات با پخش نامه‌هایی از منبعی ناشناس همراه بود که به «اعضای فرقه ضالّه بهائیت» علیه تبلیغ دین‌شان اخطار می‌داد.

## آتش‌افروزی

آتش زدن املاک بهائیان اغلب با ارسال نامه از فرستنده‌ای ناشناس، دیوارنویسی‌های ضد بهائی و تهدیدهای دیگر همراه بوده است. در فاصله آبان تا آذر ۱۳۸۹ (اکتبر تا دسامبر ۲۰۱۰) بیش از دوازده مورد آتش زدن مغازه‌های بهائیان در شهر رفسنجان انجام شد. در همان دوره، اخطارنامه‌ای خطاب به «اعضای فرقه ضالّه بهائیت» در خانه‌های حدود ۲۰ بهائی انداخته شد. این نامه درباره تبلیغ دین بهائی به بهائیان هشدار می‌داد و می‌گفت بهائیان از هیچ‌گونه حمایت و حق شهروندی برخوردار نیستند. نامه همچنین هشدار می‌داد که اگر بهائیان تعهد نکنند که دین‌شان را تبلیغ نکنند، با مسلمانان به جز در مسائل کاری در محل کار رابطه دیگری نداشته باشند، و شاگردان مسلمان در مغازه‌هایشان استخدام نکنند، حملات بیشتری علیه آنان صورت خواهد گرفت.

## حمله به گورستان‌های بهائی

از سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) قبرستان‌های بهائی در بیش از دوازده شهر و شهرستان مورد تخریب، مسطح‌سازی یا هدف بمب‌های آتش‌زا قرار گرفته است. این حملات تقریباً همیشه هنگام شب صورت می‌گیرد. این گونه حملات در آباءه، بروجرد، درزی‌کلا، قائم‌شهر، گیلوند، همدان، اصفهان، ایول، جیرفت، مشهد، نجف‌آباد، سنگسر، سمنان، تهران، یزد و زرنان رخ داده است.

در خاورمیانه، قبرستان‌ها از حرمت خاصی برخوردارند. بهائیان که تا حدودی به خاطر این حساسیت‌ها اجازه استفاده از قبرستان‌های مسلمانان را ندارند، قبرستان‌های خود را ساختند و به این ترتیب مدّت‌ها می‌توانستند درگذشتگان خود را در آرامش نسبی دفن کنند. اما هم‌زمان با افزایش تبلیغات دولتی ضد بهائی، حمله به قبرستان‌ها و اماکن مقدّس بهائی نیز فزونی گرفته است. برای مثال در اسفند ۱۳۸۹ (مارس ۲۰۱۱)، یک گورستان تازه‌ای در سنگسر در استان سمنان، که به بهائیان داده شده بود و توسط شهرداری اتاق کوچکی نیز در آن ساخته شده بود، به دست مهاجمان ناشناسی تخریب شد. قبرها با تلی از خاک پوشانده شد، درخت‌ها از ریشه درآورده شد، دو اتاق کوچکی که بهائیان ساخته

قبرستان بهائی شهر یزد در مرداد ۱۳۸۶ (ژوئیه ۲۰۰۷) توسط یورش‌گران ناشناسی ویران شد. آثار به‌جا مانده و شدت ویرانی نشانه آن است که تخریب با بولدوزر یا وسائل سنگین دیگری انجام شده که استفاده از آنها مگر با اجازه رسمی به آسانی امکان‌پذیر نیست. ده‌ها قبرستان بهائی به همین ترتیب ویران شده‌اند.



بودند تخریب گردید و وسایل موجود در انبار آن زیر خاک مدفون شد.

## واقعه سمنان

مخالفتی که بهائیان در شهر سمنان - حدود ۱۷۵ کیلومتری شرق تهران - به مدتی طولانی با آن روبرو بوده‌اند، به خوبی رابطه میان تحریک‌هایی که رسماً حمایت می‌شوند را با خشونت علیه جامعه بهائی نشان می‌دهد.

در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹ (۲۰۰۸ و ۲۰۱۰)، مجموعه‌ای از حوادث در آن شهر رخ داد که مواردی مانند پرتاب بمب آتش‌زا به املاک بهائیان، دیوار نویسی‌های پر از نفرت روی ساختمان‌های متعلق به بهائیان، تخریب یک قبرستان بهائی و سرزنش کودکان بهائی در مدارس عمومی را شامل می‌شد.

بسیاری از این رویدادها پس از یک سلسله سخنرانی‌های ضد بهائی که در دو قسمت در شهر برگزار شد اتفاق افتاد که، طبق گزارش‌های اینترنتی، می‌خواستند رابطه میان آئین بهائی و صهیونیسم را بررسی کنند. حد اقل یکی از این سخنرانی‌ها که ظاهراً به پشتیبانی یک سازمان فرهنگی اسلامی ضد بهائی انجام می‌شد، در تالار هلال احمر سمنان برگزار شد. مهناز رئوفی که پیشتر در این گزارش به او اشاره شد و نویسنده چندین کتاب است که ادعا می‌کند حقیقت اعمال بهائیان را «افشا» می‌سازد، سخنران برجسته این نشست بود. یک روحانی نیز در خطبه نماز جمعه در مسجد محلی بهائیان را مورد حمله قرار داد و گفت باید آنها از شهر اخراج شوند.

در ۲۵ آذر ۱۳۸۷ (۱۵ دسامبر ۲۰۰۸)، چند هفته پس از تجمعات مذکور، خانه‌های حدود ۲۰ بهائی توسط مقامات محلی مورد یورش قرار گرفت. طی این حملات که هنگام سحر انجام شد، کتاب‌ها و نوشته‌های مربوط به دیانت بهائی، کامپیوترها و تلفن‌های موبایل توقیف شد. ۹ بهائی که خانه‌هایشان مورد حمله قرار گرفته بود، یک نفر هنگام یورش و هشت نفر دیگر پس از آن، همه به اتهامات کاملاً دروغین یا غیرقانونی که همگی در رابطه با اجرای مراسم آرام و صلح‌آمیز بهائی بود، دستگیر شدند. عده‌ای از دستگیرشدگان از آن پس به زندان محکوم شده‌اند؛ برخی دوران محکومیت خود را گذرانده و آزاد شده‌اند.

در همان دوره، آتش‌افروزان ناشناس در سمنان به حداقل سه محل کسب و کار بهائیان حمله کردند، بمب آتشین به خانه‌های چندین بهائی پرتاب کردند و ساختمان‌های قبرستان بهائی را نیز به آتش کشیدند.

با تصمیمی که اتاق بازرگانی سمنان و حدود ۳۹ اتحادیه بازرگانی وابسته در اواخر سال ۱۳۸۷ (اوایل ۲۰۰۹) گرفتند که صدور پروانه کسب یا جواز اداری برای بهائیان ممنوع شود و پروانه‌های موجود نیز تجدید نگردد، این حملات شدت یافت.

در ۲۳ شهریور ۱۳۸۸ (۱۴ سپتامبر ۲۰۰۹)، گروهی متشکل از حدود ۲۰ افراطی شورش‌گر مقابل ساختمان شهرداری سمنان و دفتر استان‌دار گرد آمدند و با سردادن شعار «مرگ بر بهائی» خواهان فشار بیشتر بر بهائیان شدند. روز پیش از آن، گروه مشابهی هنگام مراسم خاک‌سپاری یک بهائی سمنانی به داخل گورستان یورش برده و با ناسزاگویی و تهدید سعی در متوقف ساختن مراسم نمودند.

همچنین بنا به گزارش‌هایی که از سمنان رسیده در طی این دوره از روحانیون مسلمان دعوت شده تا در کلاس‌های مدارس درس سخنرانی‌هایی در توهمین به آئین بهائی ایراد کنند. در بعضی موارد گزارش‌ها حاکی از آن است که دانش‌آموزان بهائی را از هم‌کلاسی‌های خود جدا کرده‌اند. حد اقل در دو مورد، دانش‌آموزان مسلمان به ضرب و شتم دانش‌آموزان بهائی تشویق شدند.



## ۵ تاریخچه آزار بهائیان

از آغاز تأسیس آئین بهائی در ایران در اواسط قرن نوزدهم، بهائیان با امواج متناوبی از آزار مواجه شده‌اند. حد اقل ۴۰۰۰ نفر از مؤمنین اولیه آن توسط کسانی کشته شدند که این آئین نوزاد را - که در آن زمان به جنبش بابی معروف بود - بدعتی بر اسلام می‌دیدند.

به نوشته پروفیسور الیز ساناساریان، تاریخ بهائیان ایران «از زمان شکل‌گیری این آئین، با آزار دائم خدش‌دار شده است.» او می‌نویسد: «روحانیون و بخش‌های مذهبی [در ایران] همیشه خصومت عمیقی نسبت به بهائیان داشته‌اند. بهائیان 'کافر' حقیقی به معنای واقعی کلمه بودند که باید با ایشان با خشونت رفتار می‌شد و نابود می‌شدند...»

اما بیش از آن که تبلیغات مداوم ضد بهائی توسط حکومت ایران صرفاً یک مسئله آزار دینی انگاشته شود، می‌توان آن را پاسخ حکومت به تلاش مردم ایران برای ایجاد یک تحول دموکراتیک در کشور دانست. استفاده از بهائیان به عنوان وجه‌المصالحه یا سپر بلایی مناسب برای همه مصیبت‌هایی که نظام گرفتار آن است، بخشی از یک الگوی تاریخی است که برای توجیه استبدادگرایی با ساختن دشمنانی تخیلی مردم را به اطاعت بی‌قید و شرط از رهبران خود علیه آن گروه متحد می‌کند.

محمد توگلی طرقي استاد دانشگاه تورنتو درباره ریشه‌های تاریخی احساسات ضد بهائی در دوران معاصر نوشته است که «وجه‌المصالحه کردن بابیان در زمانی که دولت قاجار با بحران جدی مشروعیت مواجه بود، فعلاًنه توسط این دولت ترویج می‌شد. سیاستمداران قاجاری برای جلب حمایت طلاب و علمای شیعه یک اقدام عمومی کاملاً سازماندهی شده علیه بابیان به راه انداختند. با 'دگرسازی' بابیان و تأکید بر برخی سنت‌های مذهبی ملی به صورت همزمان... دولت قاجار اسلام شیعه را به عنوان هسته هویت نوین ایرانی فعلاًنه ترویج داد.»

استاد توگلی طرقي همچنین اشاره می‌کند که رفتار خشونت‌بار با بهائیان برآیند ناگزیر تفاوت‌های دینی نبود. «سران شیعه به جای این که با بابیان به سبک علما و با گفتگو و مناظره مقابله و به این ترتیب به ایجاد یک فضای عمومی دموکراتیک در کشور کمک نمایند، گزینه سرکوب شدید را برای رویارویی با بابیان و بهائیان در پیش گرفتند.» پروفیسور توگلی طرقي خاطر نشان می‌کند که اتهامات مطرح شده علیه بابیت «به عنوان یک ابزار مؤثر برای خاموش کردن صداهای مخالف در مرحله تکوین سیاست مدرن ایران» به کار گرفته می‌شد.

به نظر محمد توگلی طرقي در چند سال قبل و بعد از انقلاب اسلامی، اتهامات مطرح شده علیه بهائیان سبب شد که «جنبش ضد بهائی یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر یک نهضت اسلامی شود که سخت در صدد تأسیس یک آینده تک دینی برای ایران بود.»

«در جنبش 'مردم ایران' برای 'به دست آوردن آزادی‌شان، 'آزادی‌های مدنی همه بهائیان در دست‌های 'ملت مسلمان' به اسارت در آمد. در نتیجه در نیمه دوم قرن بیستم، جامعه مدنی ایران تناقضی را برگزید که تا امروز پابرجاست.»

در قرن بیستم، ظهور خشونت‌های گاه‌به‌گاه علیه بهائیان ادامه یافت و حکومت اغلب آنان را وجه‌المصالحه قرار داد. برای مثال از اولین سال‌های دهه ۱۳۱۰ (۱۹۳۳)، کتاب‌ها و نوشته‌های بهائی ممنوع شد، ازدواج‌های بهائی به رسمیت شناخته نمی‌شد و بهائیان در مشاغل دولتی تنزیل رتبه یافتند یا شغل خود را از دست دادند. در ۱۳۳۴ (۱۹۵۵)، پس از آغاز سخنرانی‌های ضد بهائی یک روحانی تندرو از رادیوی ملی، حکومت به تخریب مرکز ملی بهائیان در تهران مبادرت ورزید و خانه‌های بسیاری از بهائیان به تاراج رفت.

در حالی که بیشتر موارد قبلی آزار بهائیان، پاسخ یک حکومت سکولار به فشارهای روحانیون مذهبی و احزاب سیاسی تحت نفوذ آنها بود، با سر کار آمدن یک حکومت واقعاً دینی در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) همه چیز برای بهائیان به مراتب بدتر شد.

بیش از ۲۰۰ بهائی ایرانی به قتل رسیدند. تعداد بی‌شمار دیگری زندانی و شکنجه شدند و از استخدام، آموزش و حق مالکیت اموال خود محروم گردیدند. اماکن مقدس بهائی با خاک یکسان شد و حتی قبرستان‌های بهائی نیز از سیاست ریشه‌کن‌سازی این جامعه دینی رهایی نیافت. در سال‌های اخیر، علیرغم بالاگرفتن خواسته ایرانیان برای برابری همه شهروندان، حکومت سرکوب بهائیان را شدت بخشیده است، همه مدیران بهائی در سطح ملی را زندانی کرده و ارباب و بدرفتاری با اعضای این جامعه را در سراسر کشور تشدید نموده است.

پس از صدور چندین قطعنامه از سوی سازمان ملل متحد در محکوم کردن اعمال ایران، حکومت ایران کشتار بهائیان را متوقف ساخت و از اواخر دهه ۶۰ (اوایل دهه ۱۹۹۰) تمرکز خود را بر اعمال محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی و

فرهنگی شدیدتری متوجه نمود که جامعه بهائی در آن زمان نیز به آن دچار بود. هدف ویژه این اقدامات متوقف ساختن رشد و توسعه بهائیان بود و شامل تلاش‌هایی برای محروم کردن آنان از وسایل امرار معاش، ویران کردن میراث فرهنگی آنها و تضمین محرومیت بهائیان جوان از ورود به دانشگاه می‌شد.

در دهه گذشته، حکومت دوباره آزار بهائیان را شدت بخشیده و سیاست سرکوبگرانه خود را چنان تنظیم کرده که به افزایش دستگیری و بازداشت‌های موقت و پی‌درپی، از دیاد تعداد بهائیان زندانی و صدور یک سلسله بخش‌نامه‌های دولتی که سیاست‌های به‌وضوح ضد بهائی را اعلام یا تکرار می‌کند، انجامیده است.

در گزارشی که اخیراً توسط گروه بین‌المللی حقوق اقلیت‌ها منتشر شد، تأکید شده که «آزار اقلیت‌های دینی، یا در اصل هر اقلیت ایرانی، بیش از همه در مورد بهائیان مشهود است. این گروه اقلیت دینی [بهائیان] از ضمانت‌های قانون اساسی که رسماً برای مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان فراهم است، و در حقیقت از هر گونه حمایت قانونی طبق قوانین اسلامی ایران، محروم است. بهائیان رسماً مرتد شناخته می‌شوند و آنها را نوعی اپوزیسیون سیاسی و نه یک جامعه دینی معرفی می‌کنند تا از این طریق دولت بتواند اعتراضات جهانی در مورد عدم رعایت قوانین و میثاق‌های بین‌المللی در زمینه آزادی دین را بی‌اهمیت جلوه دهد.»

## ۶ تلاش‌های بین‌المللی برای مبارزه با تحریک نفرت و پاسخ ایران

سازمان ملل متحد از زمان تأسیس‌اش در سال ۱۳۲۴ برای استقرار برابری حقوق همه مردم در همه جا کوشیده است. منشور ملل متحد از «احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض بر مبنای نژاد، جنس، زبان یا دین» حمایت می‌کند. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) توسط مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شد، به ویژه «حق آزادی اندیشه، وجدان و دین» را به عنوان یک حق بنیادی بشری می‌شناسد. در این اعلامیه همچنین اظهار می‌شود که همه افراد «حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر ضد هر تحریکی که به چنین تبعیضی منجر شود، از حمایت یکسان قانون بهره‌مند گردند.»

این باورها از آن پس با تصویب میثاق‌ها و معاهدات گوناگون مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، به وظایف و تعهدات قانونی بین‌المللی تبدیل شده است. برای مثال در آن میثاق حق آزادی بیان تضمین شده، و ماده ۱۸ آن، در مورد آزادی دین یا عقیده می‌گوید:

۱. هر کس حق آزادی فکر، وجدان و دین دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک دین یا عقیده به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز دین یا عقیده خود، خواه بطور فردی یا جمعی، خواه به طور علنی یا در خفا در عبادت و اجرای آداب و اعمال و تبلیغ است.

۲. هیچ کس نباید تحت فشار قرار گیرد و از این طریق به آزادی او در داشتن یا قبول یک دین یا عقیده مورد انتخاب خود لطمه وارد آید.

۳. آزادی ابراز دین یا عقیده را تنها در مواردی می‌توان تابع محدودیت هایی نمود که قانون تعیین کند و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های بنیادی دیگران ضرورت داشته باشد.

علاوه بر آن، ماده ۲۰ اعلامیه به صراحت سخنان تحریک‌کننده نفرت را ممنوع اعلام می‌کند:

«هر گونه ترغیب به تنفر ملی، نژادی یا دینی که محرک تبعیض، دشمنی یا خشونت به حساب آید، به موجب قانون ممنوع است.»

با وجود این ممنوعیت‌های آشکار علیه تبعیض بر مبنای عقیده دینی، تعدادی از کشورها در اواخر دهه ۷۰ (دهه ۱۹۹۰) بررسی‌هایی را آغاز کردند تا ببینند آیا این حفاظها برای مبارزه با حملات وارده بر دین و مؤمنان به ادیان کافی است یا نه. این مذاکرات که توسط کشورهای اسلامی آغاز شده بود، سرانجام به پذیرش قطعنامه‌ای توسط شورای حقوق بشر در فروردین ۱۳۹۰ (مارس ۲۰۱۱) انجامید که از جمله شامل موارد زیر است:

- «هر گونه ترغیب به تبعیض یا خشونت بر مبنای دین یا عقیده» را محکوم می‌کند.
- «با نگرانی عمیق به موارد ناشکیبایی، تبعیض، و اعمال خشونت‌آمیز در بسیاری از بخش‌های جهان، از جمله موارد برآمده از تبعیض علیه پیروان اقلیت‌های دینی، علاوه بر ارائه تصویر منفی از پیروان ادیان و اجرای اقداماتی که به ویژه بر مبنای دین یا عقیده علیه افراد تبعیض ایجاد می‌کند» اشاره می‌کند.
- «از این که موارد ناشکیبایی و تبعیض دینی و خشونت‌های مربوطه، و همچنین ارائه کلیشه‌های منفی از افراد بر مبنای دین یا عقیده در سراسر دنیا رو به ازدیاد است [ابراز نگرانی می‌کند] و در این مورد هر گونه حمایت از تنفر دینی نسبت به افراد را که تحریک به تبعیض، دشمنی و یا خشونت به حساب آید محکوم می‌کند، و شدیداً به دولت‌ها توصیه می‌نماید که طبق وظائفشان تحت قانون بین‌المللی حقوق بشر، برای رسیدگی و مبارزه با این‌گونه رویدادها، همان‌طور که در این قطعنامه مقرر شده، اقدامات مؤثری به عمل آورند.»
- و «هر گونه حمایت و دفاع از تنفر دینی را چه از طریق استفاده از رسانه‌های چاپی، دیداری و شنیداری، الکترونیکی و یا هر وسیله دیگر، که محرک تبعیض، دشمنی یا خشونت به حساب آید» محکوم می‌کند.

## موضع ایران و تعهدات آن

در گفتگوهای مربوط به نحوه مبارزه با کلیشه‌سازی منفی از دین، ایران مشارکت فعال داشته است.

برای مثال در ۱۳۸۴ (۲۰۰۵)، در مجمع عمومی سازمان ملل از قطعنامه‌ای حمایت کرد که از جمله «استفاده از رسانه‌های چاپی، دیداری و شنیداری و الکترونیکی مانند اینترنت و هر وسیله دیگر را برای تحریک به اعمال خشونت‌آمیز، بیگانه‌هراسی یا ناشکیبایی و تبعیض علیه اسلام یا هر دین دیگری» را محکوم می‌کرد.

در ۱۳۸۸ (۲۰۰۹)، ایران در یکی از کنفرانس‌های سازمان ملل متحد در باره موضوع نژادپرستی و ناشکیبایی مربوط به آن سخنانی ایراد کرد که نگرانی شدید آن دولت را از «موارد اهانت به ادیان که در قالب تصاویر منفی، توهین‌آمیز و تحقیرکننده از ادیان و شخصیت‌های دینی و انتسابات تعمیم داده شده و کلیشه‌ای نسبت به ادیان به ویژه اسلام ابراز می‌شود»<sup>۱۰</sup> بیان می‌کرد. مهم‌تر از آن، همان طور که پیش‌تر ذکر شد، ایران از امضا کنندگان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، که اعتبار یک معاهده بین‌المللی را دارد، و آشکارا تبلیغ و ترویج نفرت را ممنوع اعلام می‌کند. ایران این میثاق را در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۶) امضا کرد و هرگز اعلان انصراف از آن را نکرده است. در حقیقت دیپلمات‌های نماینده جمهوری اسلامی همیشه ادعا کرده‌اند که دولت‌شان می‌کوشد به میثاق وفادار بماند و ایران آشکارا در اجرای مستمر میثاق شرکت کرده و به طور منظم به کمیته حقوق بشر که مسئول نظارت بر اجرای آن است، گزارش ارسال کرده است.

پس ایران چگونه آزار بهائیان و علاوه بر آن حمایت گسترده خود از تبلیغات ضد بهائی را توجیه کرده است؟ نمایندگان جمهوری اسلامی ایران هنگامی که درباره آزار بهائیان از سوی حکومت مورد سؤال قرار گرفته‌اند، پاسخ‌های متنوعی ارائه کرده‌اند که اغلب ضد و نقیض بوده است.

مقامات ایرانی مکرراً اکاذیبی منتشر کرده‌اند - از جمله آزار بهائیان را انکار کرده‌اند، ادعا کرده‌اند که در واقع بهائیان به عنوان یک جامعه وجود خارجی ندارند، اظهار داشته‌اند که دیانت بهائی از نظر اسلام یک دین «الهی» نیست - و تمام این‌ها برای آن است که تأکید کنند که بهائیان به گونه‌ای مستحق برخورداری از حمایت مذکور در ضمانت‌نامه‌های بین‌المللی در مورد آزادی دین یا عقیده نیستند.

در سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷)، طی دیدار رئیس جمهور ایران محمود احمدی‌نژاد از سازمان ملل متحد، وقتی که از او در باره آزار بهائیان سؤال شد، برخوردش همین گونه بود.<sup>۱۱</sup> او به راحتی پاسخ داد:

«در قانون اساسی ما مسیحیت، موسویت و یهودیت و اسلام و زرتشتی به عنوان ادیان رسمی شناخته شده‌اند. وقتی از ادیان حرف می‌زنیم، به ادیان الهی اشاره داریم. در کشور ما، ما از این قانون پیروی می‌کنیم، قانونی که بر مبنای رأی اکثریت ملت است.»

این استدلال انعکاس روشنی است از قسمت اعظم تبلیغات ضد بهائی که همان طور که گفته شد می‌کوشد بهائیان را با حکومت‌های بیگانه ارتباط دهد و نشان دهد که بهائی یک ساختار سیاسی است نه یک دین. لازم به ذکر نیست که چنین ادعایی با هر تعریف معقولی از حقوق بشر تناقض فاحشی دارد. در واقع حکومت اعلام می‌کند تنها به آزادی کسانی احترام می‌گذارد که به نظر دولت شایان برخورداری از آزادی هستند. این رویکرد مفهوم مسلم حقوق بشر را بی‌معنی می‌سازد.

در نظر کلیه صاحب‌نظران، حق آزادی دین یا عقیده تنها به ادیان رسماً «شناخته شده» یا «سنتی» محدود نمی‌شود بلکه طیف کامل اعتقادات از جمله ادیان جدید و حتا الحاد و بی‌اعتقادی را هم در بر می‌گیرد. این مطلب را در سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷)، آسما جهانگیر که آن وقت گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد درباره آزادی دین و عقیده بود، در گزارش آن سال خود به شورای حقوق بشر این گونه عنوان کرد:

«کاربرد آزادی دین و عقیده منحصر به ادیان سنتی یا به ادیان و اعتقاداتی که دارای خصوصیات تشکیلاتی یا مراسمی مشابه با ادیان سنتی هستند نمی‌شود. به علاوه این نکته تثبیت شده است که ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی از اعتقادات الهی، بی‌خدائی و الحادگرایی و همچنین از حق نداشتن هیچ عقیده و یا دینی حمایت می‌کند.»

<sup>۱۰</sup> «تلاش ایران برای تسلط بر بحث نژادپرستی»، دیده‌بان ملل متحد، ۱۸ فروردین ۱۳۸۸ (۷ آوریل ۲۰۰۹). ترجمه شده از:

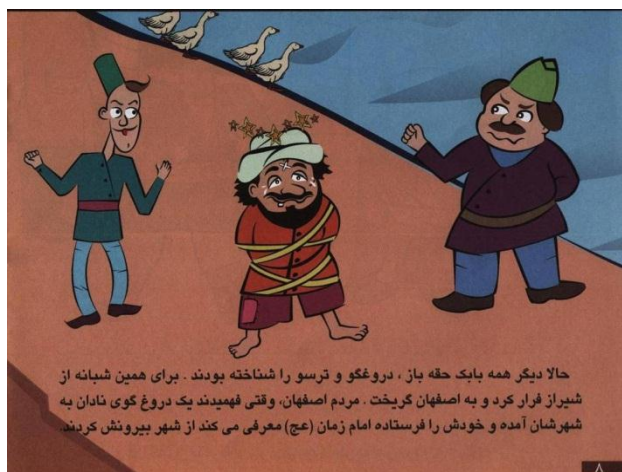
<http://blog.unwatch.org/index.php/2009/04/07/iran-attempts-domination-of-racism-debate>

<sup>۱۱</sup> <http://www.youtube.com/watch?v=fm8QK3sLp6I>. جز کلمات اول نقل قول، بقیه ترجمه از برگردان سخنان

مترجم کنفرانس ویدیویی است. [مترجم]

مقامات ایرانی در سال‌های اخیر تا حدی راهکارهای خود را تغییر داده‌اند و از این استدلال که 'بهائیان مرتد هستند' به استدلال 'آنها یک گروه ضد اسلام و سیاسی استعماری هستند' تغییر بیان داده‌اند، و اکنون به این ادعای تازه روی آورده‌اند که 'حتی اگر دیانت بهائی یک دین «غیر الهی» محسوب شود، باز دارای عناصر «کالت مانند» خطرناکی است که سرکوبش را توجیه می‌کند'.

کمپین ایران برای تضعیف روحیه بهائیان سعی می‌کند که حتی کودکان را هم به‌کار گیرد و بکوشد تعصب ضد بهائی را تا آخر عمر در آنها القا کند. مثلاً در خرداد ۱۳۸۷ (مه ۲۰۰۸) اولیای مدارس در شیراز یک کتاب داستان مصور ۱۲ صفحه‌ای با عنوان «بابک دغل کار» را بین همه دانش‌آموزان دوره ابتدائی توزیع کردند. این کتاب در لافاه داستان حضرت باب، مبشر دین بهائی را با دروغ پردازی و لحنی موهن و تمسخرآمیز ارائه می‌دهد.



برای مثال، در یک بررسی توسط مقامات بالا از سوابق حقوق بشر ایران در شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در بهمن ۱۳۸۸ (فوریه ۲۰۱۰)، رئیس ستاد ملی حقوق بشر ایران، محمد جواد لاریجانی، ادعای زیر را مطرح کرد: «در مورد حقوق بهائیان، همه شهروندان ایرانی از حقوق برابر برخوردارند و رنگ و نژاد مصونیتی ایجاد نمی‌کند. تعدادی ادیان هستند که رسمی به شمار می‌آیند، بهائیان از آن جمله نیستند، ولی از حقوق شهروندی رسمی برخوردارند.»

«هیچ بهائی در ایران به خاطر بهائی بودن تحت تعقیب قرار نمی‌گیرد. حساسیت مسئله در نوعی فعالیت فرقه‌ای نهفته است. [افراد] وارد آن می‌شوند و نمی‌توانند آزادانه به خواست خود از آن خارج شوند. این [فعالیت‌ها] غیر قانونی هستند، حتی برای شیعه. فعالیت از نوع کالتهی بر خلاف حقوق اساسی بشر متعلق به مردم است.»<sup>۱۲</sup>

به این ترتیب حکومت از زبان حقوق بشر سوء استفاده می‌کند تا با آن سرکوب حقوق بشر را توجیه کند.

<sup>۱۲</sup> ترجمه از نسخه تهیه شده توسط دیده‌بان ملل متحد.

## ۷ نتیجه - پاسخ بهائیان

مقامات ایرانی در سخنان عمومی خود ادعا کرده‌اند که از آرمان‌های آزادی و مدارای دینی که امروزه در عمق تار و پود قوانین بین‌المللی و هنجارهای حقوق بشر تنیده شده، حمایت می‌کنند. آنها همچنین در لفظ از تلاش‌های بین‌المللی برای مبارزه با اشکال گوناگون خشونت یا برانگیختن نفرت در زمینه باور دینی پشتیبانی کرده‌اند. اما واقعیت با این تلاش‌ها تناقض آشکار دارد.

امروزه اقدامات حکومت ایران از نوع اِرْعاب و اِعمال خشونت علیه هر شهروندی است که باور هایش با ایدئولوژی رسمی دولت مطابق نباشد. از این نظر احترام به حقوق بنیادی بهائیان بخشی از تلاش گسترده‌تر برای دور شدن از قدرت‌طلبی و خشونت و حرکت به سوی دموکراسی و عدم خشونت است.

سرکوب روشمندی که حکومت در ۳۰ سال گذشته بر شهروندان بهائی خود وارد آورده، به خوبی مستند شده است. این اسناد حقایق را نشان می‌دهد که ثابت می‌کند در ایران قوانین بین‌المللی مربوط به تضمین آزادی دینی و اجرای صحیح قانون و دیگر حقوق اساسی بشر نقض می‌شود و این نقض نه تنها بهائیان ایران بلکه بسیاری دیگر از شهروندان ایرانی را در بر می‌گیرد.

به آنچه در بالا گفته شد، باید شواهد یک اقدام روشمند دولتی برای برانگیختن نفرت علیه بهائیان ایران را بیفزاییم - جامعه‌ای که با بیش از ۳۰۰۰۰۰ عضو بخشی شناخته شده از جمعیت بومی کشور را تشکیل می‌دهد.

ایران به عنوان یکی از اعضای جامعه بین‌المللی و امضاکننده تعهدات کلیدی بین‌المللی که این گونه رفتار را ممنوع می‌کند، باید پاسخگویی این فعالیت‌ها باشد.

حتی اگر احتمال داده شود که بعضی از مسلمانان ایرانی علیه اقلیت بهائی در میان خودشان تعصب دارند، حکومت ایران به موجب قوانین بین‌المللی قطعاً موظف است در برابر چنین تبعیض ناآگاهانه‌ای حمایت کامل خود از بهائیان را نشان دهد.

اما برعکس این خود حکومت ایران است که منبع اصلی چنین تبلیغات فتنه‌جویانه‌ای است.

در یک بخش‌نامه محرمانه که در سال ۱۳۶۹ (۱۹۹۱) به تصویب رهبر عالی ایران رسیده و در ۱۳۷۱ (۱۹۹۳) توسط سازمان ملل منتشر شد، برنامه‌ای فراگیر برای سد کردن راه توسعه و پیشرفت بهائیان ارائه شده که آنان را از هر فرصتی برای اثر گذاشتن بر جامعه ایران محروم کند.

حکومت ایران به عنوان بخشی از این خط مشی روشمند، از طریق مجراهای ارتباطی خود کوشیده است تا حس تردید، بی‌اعتمادی و نفرت مردم نسبت به بهائیان را که در میان‌شان زندگی می‌کنند، برانگیزد. تقریباً همه مقالات بررسی شده تصویر نادرستی از عقاید بهائیان ارائه می‌دهند و مطالب آنها به گونه‌ای طراحی شده که عقاید منسوب به بهائیان را توهینی به اعتقادات مسلمانان جلوه دهد.

تاریخ نشان داده است که در نتیجه یک چنین تکرار بی‌امان و روشمندی، اکاذیب و افسانه‌ها می‌توانند به باورهای عمومی تبدیل شده و نفرت همگانی را برانگیزند. وقتی شهروندان تحریک شده علیه همسایگان‌شان - که بارها به عنوان خائن، فاسد یا نجس معرفی شده‌اند - اقدامی خشونت‌آمیز انجام دهند، مقامات متخلف می‌توانند با احاله مسئولیت به توده مردم، خود را از سرزنش مبرا کنند.

پروفسور الیز ساناساریان می‌نویسد: «باید به کلمات به عنوان عاملی نگاه کرد که می‌توانند انرژی پرقدرتی، چه مثبت و چه منفی، آزاد کنند. برچسب‌ها و کلیشه‌ها در اثر تکرار به منزله حقایق 'با نظام‌های کاملاً پیچیده‌ای از مفاهیم، عقاید و اسطوره‌ها' تبدیل و پذیرفته می‌شوند.»

جامعه بهائی ایران با وجود این حملات طولانی و روشمند بر تمامیت و ارزش‌هایش، دلسرد و ناامید یا منکوب نشده است. بهائیان هیچگاه از زور یا کوچکترین خشونت در مقابله با حمله‌های سرکوبگران خود استفاده نکرده‌اند. در عوض موقعیت خود را به آرامی بیان کرده و با آرامش و ادب، خواهان حقوق بنیادی بشری خود شده‌اند و تحسین هموطنان خود، ناظران و در بعضی موارد حتی کسانی را که به موجب سیاست حکومتی موظف‌اند به آنها ظلم کنند، برانگیخته‌اند.

بهائیان ایران در بحبوحه ظلمی که به هدف نابودی آنان اعمال می‌شود، توجه خود را به نقشی که می‌توانند برای بهبود جامعه خود ایفا کنند، معطوف داشته‌اند. عقاید بنیادین بهائی مانند صداقت، امانت، رفع تعصب و برابری زن و مرد در

گفتگوها مورد بررسی قرار می‌گیرند - گفتگوهایی که بخش جدایی‌ناپذیر گفتمان‌های گسترده‌تر جامعه هستند و بهائیان از آن ممنوع شده‌اند. گزارش‌های رسیده به جامعه جهانی بهائی حاوی شواهدی است که جامعه بهائیان ایران علی‌رغم آن که برای خاموش کردن صدایش به هر اقدامی دست زده می‌شود، به پیشرفت اجتماعی ایران متعهد مانده است.

این‌گونه پاسخ به هجوم مداوم تبلیغات افتراآمیز، پدیده قابل توجهی است. کشف این مطلب که اکثر شهروندان ایرانی جامعه بهائی را آن طور که مقامات تصویر می‌کنند، نمی‌بینند نیز به همان اندازه غیر منتظره بوده است. گزارش‌هایی که به جامعه جهانی بهائی رسیده نشان می‌دهد که بخش فزاینده‌ای از مردم ایران شجاعت، شهامت، صبر و استقامت بهائیان را می‌ستایند. مردم دریافته‌اند که آرمان‌های بهائیان با آرمان‌های آن عده از هموطنان‌شان که خواهان پیشرفت کشورشان هستند، هماهنگ است. بعضی از آنان نیز - اعم از دانشجویان و استادان، روزنامه‌نگاران و فعالان اجتماعی، هنرمندان و شعرا، اندیشمندان پیشرو و طرفداران حقوق زنان و حتی شهروندان عادی - از ظلم مشابهی رنج می‌برند.

بهائیان به جای آن که در برابر ظلم روحیه خود را از دست دهند، به عکس مصمم‌اند که با افتخار به اصول خود وفادار بمانند و به زندگی طبق تعالیم بهائی ادامه دهند. آنان اجازه نداده‌اند که اثرات جان‌فرسای تبلیغات عمومی که برای پلید جلوه دادن آنان اجرا می‌شود، آن‌گونه اتهامات را در وجودشان تجسم بخشد. بهائیان ایران با نشان دادن اصولی که به آن پای‌بندند، پوچی و بیهودگی سخنان کسانی را ثابت می‌کنند که آرزویشان آنست که اگر هم نتوانند بهائیان را کاملاً نابود سازند، لا اقل پیشرفت‌شان را متوقف نمایند و از نفوذشان بکاهند.

اما در هر حال شباهت‌های موجود بین اقدامات ایران امروز با فعالیت‌های مشابه ضد دینی تحت حمایت دولت‌ها در طول تاریخ انکارناپذیر است. حقیقت‌نگران‌کننده این است که این گونه کمپین‌ها معمولاً مهم‌ترین پیش‌درآمدهای خشونت عملی علیه اقلیت‌های مذهبی، یا در بدترین وجه، مقدمه نسل‌کشی هستند.

این مسئله سزاوار بذل توجه دولت‌ها، نهادهای حقوقی بین‌المللی و مردمان منصف در همه نقاط جهان است. جامعه بین‌المللی باید اقدامات لازم را به عمل آورد تا به ایران نشان دهد که چنین تجاوزات فاحشی به حقوق و هنجارهای بین‌المللی تحمل نخواهد شد.

## ضمیمه الف — نمونه‌هایی از مقالات ضد بهائی

این‌ها نمونه‌ای از مقالاتی هستند که از وبسایت‌ها و خبرگزاری‌های دولتی یا مورد حمایت دولت عکس‌برداری شده است.

قابل توجه است که هر گاه جامعه جهانی بهائی انظار عموم را به برخی از صفحات شبکه‌های اینترنتی دولتی ایران جلب نموده است، این صفحات متعاقباً ناپدید شده‌اند.

صفحات نسخه‌برداری شده عبارتند از:

- مقاله‌ای از سایت خبری حامی دولت «رسا» مورخ ۱۷ اسفند ۱۳۸۹ (۸ مارس ۲۰۱۱)، تحت عنوان «بهائیت می‌کوشد اسلام را براندازد». تصویری از ملک‌الموت به این مقاله پیوست شده است.
- مقاله‌ای از سایت خبری «رسا» مورخ ۱۹ اسفند ۱۳۸۸ (۱۰ مارس ۲۰۱۰)، که ادعای نقل قول از نویسنده یک کتاب صهیونیست می‌کند که می‌گوید اسرائیل در زمان شاه با استفاده از بهائیان به عنوان «جاسوس» به ایران رخنه کرد.
- یک داستان از روزنامه نیمه‌رسمی «کیهان» مورخ ۲۱ دی ۱۳۸۸ (۱۱ ژانویه ۲۰۱۰) که بهائیان را نه فقط به شرکت در اعتراضات روز عاشورای ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) متهم می‌کند، بلکه آنان را جزئی از «خرابکاری سبز» معرفی می‌نماید.
- مقاله‌ای از سایت «گرداب»، وبسایت «سپاه انقلاب»، مورخ ۷ آذر ۱۳۸۹ (۲۸ نوامبر ۲۰۱۰)، که توضیح می‌دهد چگونه «فرقه بهائیت» مطالب «ضالّه» را در اینترنت منتشر می‌کند. در کنار این مقاله تصویری از یک هیکل غول‌مانند که شمشیری در دست دارد، گذاشته شده است.
- مقاله‌ای منتشر شده در وبسایت نیمه‌رسمی «جوان آنلاین» مورخ ۹ مهر ۱۳۹۰ (۸ سپتامبر ۲۰۱۰) که ادعا می‌کند بهائیان «برای جذب جوانان»، به مناطق گرمسیر «آب سردکن» می‌فرستند. این مقاله همچنین مدعی است که بهائیان با «نمادهای شیطان‌پرستی در معابر عمومی» حاضر می‌شوند. در این صفحه تصویری از پرچم اسرائیل دیده می‌شود که کلمه «بهائی‌گری» در آن گنجانده شده است.
- یک داستان از «شبکه روزنامه ایران» (Iran Newspaper Network) مورخ ۲ مهر ۱۳۸۹ (۲۴ سپتامبر ۲۰۱۰) از وزیر اطلاعات نقل قول می‌کند که ادعا کرده بود بهائیان نیز در بین کسانی بودند که در «فتنه» ضد دولت پس از انتخابات ۱۳۸۸ (۲۰۰۹) شرکت داشتند.

## ضمیمه ب — خلاصه بیش از ۴۰۰ مقاله که برای این گزارش بررسی شده است

### فقط بصورت آنلاین:

خوانندگانی که مایلند اطلاعات بیشتری در باره ابعاد و گستره اقدامات ایران برای تحریک نفرت علیه اعضای جامعه بهائی کسب کنند می‌توانند به ضمیمه ۱۹۷ صفحه‌ای این گزارش در نشانی اینترنتی زیر مراجعه کنند:

<http://www.bic.org/inciting-hatred>

این ضمیمه شامل خلاصه‌های کوتاه یک تا چند صفحه‌ای از هریک از بیش از ۴۰۰ سند یا مقاله‌ای است که در فاصله زمانی بین ۲۶ آذر ۱۳۸۸ و ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ (۱۷ دسامبر ۲۰۰۹ تا ۱۶ مه ۲۰۱۱) توسط جامعه جهانی بهائی برای این بررسی جمع‌آوری شده است.



همان طور که قبلاً در مقدمه این گزارش ذکر شد، این نمونه‌گیری از مقالات، گزارش‌ها، خبرهای پخش شده یا صفحات شبکه جهانی، که به وسیله ادارات رسمی یا نیمه رسمی منتشر شده شامل خلاصه‌هایی از مطالب زیر است:

- ۳۶۷ مقاله در طیف وسیعی از مواد چاپی و رسانه‌های آنلاین
- ۵۸ سمینار، کنفرانس و همایش
- سه سریال مستند تلویزیونی و سه برنامه دیگر تلویزیونی
- سه سریال رادیویی (از میان اشاره‌های بی‌شمار دیگری که از رادیو پخش شده)
- دو نرم افزار داده‌های اطلاعاتی، که هم از طریق آنلاین و هم به صورت صفحه فشرده در دسترس است
- حدّ اقل دو وبسایت که کاملاً به مبارزه با دیانت بهائی اختصاص داده شده، و
- پنج نمایشگاه رسمی

کارشناس عرصه بهائیت:  
**بهائیت به دنبال براندازی تدریجی نظام اسلامی است**

خبرگزاری رسا - یک کارشناس ارشد حوزه بهائیت نسبت به فعالیتهای این فرقه ساختگی در کشورمان اشاره کرد و گفت: این جریان با ایجاد شبهه به دنبال براندازی تدریجی نظام جمهوری اسلامی است.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا در ارومیه، میرکازم موسوی، از کارشناسان عرصه بهائیت، روز گذشته در همایش «بهائیت از آغاز تا ...» با ابراز نگرانی از افزایش فعالیتهای فرقه بهائیت در کشور افزود: این گروه امروز با استفاده از فضای مجازی به دنبال تزلزل جوانان و نخنگان ایران اسلامی و در نهایت براندازی تدریجی نظام است.



وی با بیان این که ایجاد ادیان ساختگی همواره از ترفندهای استعمارگران برای منحرف کردن دینداری صحیح و جایگزینی آن با ادیان الهی مرسوم بوده است، گفت: بروز و ظهور عرفانهای ظاهری در حوزه یهودیت و مسیحیت تا حد زیادی موفقیت آمیز

بوده و ملموس است.

موسوی با اشاره به تلاش استعمارگران برای به انحراف کشاندن دین اسلام اظهار کرد: در مغوله مهدویت نیز نزدیک به 150 سال پیش با کمک و هدایت استعمار انگلیس، گروه دست سازی با نام و عنوان بابیت و آیین بهایی در کشور ما شکل گرفت.

وی جهت گیری بهائیان را بر اساس بررسی های به عمل آمده و اعلام محققان و صاحب نظران تاریخی جداسازی ملت ایران از مراجع تقلید و مشغول کردن آنان به مکتبی ساخته دست بشر اعلام کرد.

این کارشناس مسائل بهائیت تأکید کرد: مکتب ساختگی بهائیت با برتری دادن به جنبه های غیر عقلانی بر جنبه های عقلانی جداشدن مردم از دین و دینداری و پیوستن آنها به مکاتب غیر دینی را تسهیل می کند.

موسوی با اشاره به فعالیت بهائیان قبل از پیروزی انقلاب ادعان داشت: پس از پیروزی نهضت امام خمینی (ره)، این گروه همواره به دنبال بازگشت به دوران اقتدار خود در دوره پهلوی، ضربه زدن به اسلام و براندازی نظام اسلامی بوده اند و همواره در تلاشند تا از هر فرصتی برای رسیدن به این هدف شوم بهره بگیرند.

وی به جریان انتخابات و فتنه سال گذشته اشاره و گفت: طبق اظهارات یکی از بهائیان دستگیر شده در حادثه عاشورای سال گذشته، آنها از هشت ماه قبل از سوی تشکیلات خود برای ورود به فضای سیاسی ترغیب شده بودند.

موسوی آشوبگری های اخیر در تهران را نیز نمونه ای از فعالیتهای فرقه ساختگی بهائی جهت براندازی نظام عنوان کرد و گفت: هفت نفر از افراد این جریان ضد امنیتی در 25 بهمن سال جاری دستگیر شده اند.

وی با اشاره به حمایت های بین المللی از گسترش این فرقه در کشورمان، خاطرنشان کرد: این گروه در سال های اخیر برای تضعیف نظام در عرصه های بین المللی، بر طبل مظلومیت بهائیان در جمهوری اسلامی می کوبند که در این میان نیز حمایت های جسته و گریخته بین المللی از آنان دیده می شود. /936/202/س



کد خبر: 77519 تاریخ: 19/12/1388 ساعت: 16:51:0

مؤلف عرضه صهیونیسم‌پرویی:

#### بهائیت ساخته پرداخته صهیونیست‌ها برای نفوذ در ایران است

خبرگزاری رسا - مدیرکل سابق تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی گفت: اسرائیل عاصب در دوران ستم‌شاهی نفوذ خود در ایران را به‌واسطه فرقه ضاله بهائیت در ایران عمیق کرد.

حجت الاسلام علی جدید بناب، مدیر کل سابق تبلیغات اسلامی آذربایجان شرقی، در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری رسا در تبریز به تشریح نقش و جایگاه صهیونیسم در برابر کشورهای اسلامی و ایران پرداخت.

مؤلف کتاب عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام با اشاره به سابقه دشمنی آنان با اسلام گفت: ستیزه‌جویی قوم یهود با ادیان ابراهیمی به ویژه اسلام، ریشه در تاریخ تحولات ادیان دارد و خداوند در قرآن نیز بدان اشاره می فرماید.

وی با بیان این‌که بخشی از این قوم در صده اخیر در قالب تشکیلات منظم اقدام به ایجاد طرحی برای توسعه سرزمینی اسرائیل کردند، گفت: طرح از نیل تا فرات، طرحی هدفمند از سوی مؤسسان این رژیم بوده که طرح اولیه آن در اروپا کشیده شده است.

استاد حوزه و دانشگاه‌های تبریز با بیان این‌که نفوذ و استیلای صهیونیسم بر جهان در ابعاد مختلف گسترش چشمگیری داشته است، تأکید کرد: این نفوذ در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی قابل مشاهده است.

حجت الاسلام جدید بناب با اشاره به نفوذ صهیونیسم در ایران تصریح کرد: اسرائیل عاصب نفوذ خود در ایران را به‌واسطه فرقه ضاله بهائیت در ایران عمیق کرد، بهائیت رابط شاه و اسرائیل بود و نفوذ گسترده‌ای قبل از انقلاب در ایران داشت.

وی با اشاره به مستندات موجود تاریخی ابراز داشت: بهائیت به عنوان عامل دست نشانده اسرائیل عاصب در ایران شرایطی را به وجود آورد که ایران به عنوان دومین کشور، اسرائیل را به رسمیت شناخت و این نفوذ در حساس ترین پست های اداری ایران نیز ادامه یافت.

مؤلف کتاب عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام تأکید کرد: دشمنی صهیونیسم با ایران اسلامی نیز در راستای همان دشمنی با اسلام بوده است که در سال های گذشته به وفور مشاهده می‌شود. /935/ت/302/س

دوشنبه 21 دي 1388 - شماره 19556

### اتاق فکر فتنه سبز بهایی از آب درآمد (خبر ویژه)

سرنخ های تازه ای از نقش فعال حزب استعماری بهائیت در مدیریت فتنه سبز به دست آمد. به دنبال دستگیری 10 تن از سرکردگان و اعضای فرقه انحرافی و استعماری بهائیت در جریان حرمت شکنی روز عاشورا، سایت «جرس» با دستاچگی اعلام کرد: این افراد طی برنامه ای تلویزیونی اعتراف خواهند کرد به دستور هیئت مرکزی جامعه بهائیان در تظاهرات روز عاشورا شرکت کرده اند! [جرس همچنین در این فرار به جلو از اعترافات اعضای دستگیر شده سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که احتمالاً از تلویزیون بخش می شود، خبر داد. شبکه ضد انقلابی جرس طی چند روز اخیر از يك سو تلاش کرده حزب استعماری و فراماسونری بهائیت را مخالف خشونت و از سوی دیگر آشوبگران و حرمت شکنان روز عاشورا را غیر محارب و معترض مدنی معرفی کند. این سایت البته توضیح نداده که اگر بهائیان مخالف خشونت و دخالت در سیاست هستند، پس در معرکه گبری رسوای ضد انقلاب در روز عاشورا و معارضة با اسلام و نظام اسلامی و امام حسین علیه السلام چه غلطی می کرده اند.

دستاچگی کم سابقه و مطالب اخیر سایت جرس از آن جهت قابل تأمل است که گردانندگان اصلی آن ارتباطات ویژه ای با بهائیت و بهائیان دارند. به عنوان مثال محسن کدیور روحانی نمای فراری و مفیم آمریکا تلاش گسترده ای را انجام داد تا سرانجام با فریب آقای منتظری توانست از وی فتوایی درباره حقوق بهائیان بگیرد! این اقدام در طول تاریخ شیعه بی سابقه بود به ویژه اینکه فرقه انگلیس ساخته و انحرافی بهائیت علناً طی دهه های اخیر به جنگ با مهدویت و امامت- از مبانی اصلی تشیع- پرداخته بود. عناصری نظیر عبدالکریم سروش و اکبر- گاف نیز طی سال های اخیر در انکار نبوت و الهی بودن قرآن و هجمه اعتقاد به مهدویت، خدمات شایانی به سران بهائیان و اربابان انگلیسی- آمریکایی آن کرده اند، عطاءالله مهاجرانی (شوهر خواهر کدیور) از دیگر گردانندگان شبکه جرس است. برخی خبرهای منتشره در سال گذشته، حاکی از بهایی بودن برخی بستگان کدیور است. این تیم به تازگی با صدور بیانیه ای، خود را اتاق فکر جنبش سبز معرفی کردند.

گفتنی است روز گذشته دیان علایی نماینده بهائیان در خارج کشور ادعا کرد: یکی از اصلی ترین مبانی اعتقادی بهائیان باور آنها به عدم خشونت به معنای مطلق کلمه است و ما پیدا شدن اسلحه و گلوله در منزل بهائیان دستگیر شده را رد می کنیم.

این ادعا درحالی مطرح می شود که بسیاری از سران سفاک ساواک و ارتش و شهربانی در رژیم پهلوی از بهائیان شناخته شده بودند و نقش اصلی را در شکنجه انقلابیون و قتل عام ده هزار نفر از ملت انقلابی ایران از سال 42 تا سال 56 و 57 ایفا کردند.

شایان ذکر است مفر بهائیان در فلسطین اشغالی (حیفا) قرار دارد و رژیم صهیونیستی رسماً آنها را مدیریت می کند.

صفحه (14)

صفحه (3)

صفحه (2)





GERDAB.ir

کسی که همه‌ام را در هم ریارت کند، بادایی او بهیست است. امام جواد علیه السلام

عبدال

وبه انبار جانباران قطع بخاشی سنگینتر از شهادت است

وایسته به مرکز بررسی جرائم سازمان یافته

صفحه نخست | درباره ما | تماس با ما | پیوندها | دریافت خبرنامه | آرشيو | نسخه موبایل

۱۵۲۵۰ - ۱۲۹۰ - مهر ۹۰ - بهار ۱۳۹۰

۳۰۶۵ | تاریخ انتشار: ۰۷ آذر ۱۳۸۹ - ۱۱۱۵۹ | نسخه چاپی | ارسال به دوستان | آذخیره

**تازه های سایت**

- ❖ حملات هکری گروه دانشی و ارتقاء امنیت وب
- ❖ سروده سوزان فدای در نظر فیسونوک و پولیس
- ❖ هر طرحی برای تقسیم فلسطین مردود است
- ❖ نظمی حکمرانی استعمارگر بر مرزهای رایانه‌ای
- ❖ "مربوط" اهدای با سطح مقطع بسیار کم را منهدم می‌کند

**پربیننده ترین مطالب**

- ❖ ردگیری کاربران فیسونوک حتی پس از خروج
- ❖ ضمیمه بنیانگذار عربستان به انگلیس درباره تشکیل اسرائیل + سند
- ❖ راه اندازی کنترل ایرانی "خارز"
- ❖ تحلیل ایده هوشمند ترور "کافر" به نیروی دریایی سپاه و ارتش
- ❖ سنجشی گشام جنسی

**پربیننده ترین مطالب**

- ❖ پاسخ قاطع فرمانده نیروی دریایی سپاه به خواسته آمریکا (۶ نظر)
- ❖ جدیدترین روشک کشفی و به ما فوق‌العاده سپاه به نمایش درآمد (۵ نظر)
- ❖ اینجا خانه صنعتی ایران است یا خانه بی‌بی‌سی انگلیس؟ (۲ نظر)
- ❖ ضمیمه بنیانگذار عربستان به انگلیس درباره تشکیل اسرائیل + سند (۲ نظر)
- ❖ سیمون سیاه خطای برستان بر شمشک من و نیا (۲ نظر)

دور جدید فعالیت ارفقه ضالیه بهائیت در فضای مجازی

ارفقه ضالیه بهائیت دور جدید فعالیت‌های خود را در فضای مجازی کلید زده است.



ارفقه ضالیه بهائیت دور جدید فعالیت‌های خود را در فضای مجازی کلید زده است.

به گزارش گرداب به نقل از جوان آنلاین، به تازگی مشاهده شده با توجه به برنامه‌ریزی بیت‌العدل، جزوات آموزشی و سیدکتاب‌های تصویری و کتب ضالیه ارفقه بهائیت در دامنه‌های اینترنتی برای دانلود و تکثیر فرار داده شده است.

این گزارش می‌افزاید که رهبران این ارفقه ضالیه به بیرون خود دستورات اکید داده‌اند تا در استخراج این فایلها و توزیع و تکثیر آنها نهایت کوشش را به‌نمایند.

چندکمی پیش نیز در همین رابطه عده‌ای از سرکردگان این گروهک ضالیه در برخی از شهرستانهای استان مازندران تماس‌هایی و دستگیر شدند.

برخاسته‌ها: بهائیت

نظرات بینندگان

۱۳۹۰/۰۲/۲۲ - ۱۷:۵۶ | باستان

باسم: به این نظر

اگر مدعی اند بر حقد به بیرون خود آزادی نفسی و عطفانه و انتخاب بدهند به با ترویج فحشا و بی بند و بارگی و طرد موزیانه سوادگیری را هر کجید هر انسانی گرایش به بهرینها را در بهائیت بودجه را کر و کور کرده اند وگرنه راه حق را خواهند یافت اگر بیشتر تحقیق فراهم باشد اما اگر سیرا بهائیت استعمار نکند که بهیچانند سوزگی بگرد اما آدم باید عقلللل داشته باشد دما و امرش را خرج عیش عیاش نکند...

نام: \_\_\_\_\_

تلفن: \_\_\_\_\_

نظر: \_\_\_\_\_

\* که امید:

ارسال

**منوی اصلی**

- ❖ بخش ویژه
- ❖ فرهنگی - اجتماعی
- ❖ سیاسی
- ❖ سین المثل
- ❖ فضای مجازی
- ❖ مشاوره
- ❖ مشاوره ای
- ❖ روابط عمومی

صفحه نخست | درباره ما | تماس با ما | پیوندها | دریافت خبرنامه | آرشيو | نسخه موبایل | RSS

این سایت متعلق به مرکز بررسی جرائم سازمان‌یافته است.  
 آگهی حقوق محفوظ است. استفاده از مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

شنبه ۹ مهر ۱۳۹۰ / ۳ ذی‌الحجه ۱۴۱۲ | پیشنهاد سوزه | عضویت در خبرنامه | RSS | تلکس | نسخه موبایل | آرشيو



طلسم «نمود» بر سر تعبیر آقای رئیس!  
صفحه نخست | سیاسی | بین‌الملل | اجتماعی | فرهنگی | اقتصادی | ورزشی | حوادث | بیداری | ایران | عکس

۱۲

داخلی « اجتماعی » خبر

### «آب سردکن» وسیله‌ای برای جذب در فرقه بهائیت



فرقه بهائیت به نازگی برای جذب جوانان در بعضی از مناطق گرمسیری کشور به ارسال تعدادی آب سردکن مبادرت می‌کند.

چهارشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۸۹ ساعت ۱۱:۰۷

فرقه بهائیت به نازگی برای جذب جوانان در بعضی از مناطق گرمسیری کشور به ارسال تعدادی آب سردکن مبادرت می‌کند.

شعبه آنلاین نوشت: فرقه صالحه بهائیت برای جذب نیرو به اجاره معازه و باغات در محمدرشهر و عباس‌آباد و اطراف کرج روی آورده است. برخی از این فعالیتها با همکاری تعدادی از اتباع بیگانه صورت می‌پذیرد.

سرو مشروبات الکلی، رقص، بایکوبی و برگزاری جشن‌های مختلف از جمله اقدامات این گروه صالحه است. این افراد بیش از این نیز در روز نیمه شعبان با نمادهای شیطان‌پرستی در معابر عمومی حاضر شده بودند. برخی از این علائم بر روی انگشتر و گردنبد اعضای فرقه حک می‌شود.

حالب اینکه فرقه مذکور برای جذب جوانان در بعضی از مناطق گرمسیر "جنوب و جنوب شرقی" کشور به ارسال تعدادی آب سردکن مبادرت می‌کند.

کد مطلب: 410334



SHARE

عضویت در خبرنامه | ارتباط با ما | پستگاه | ارسال خبر

Sun, Oct 2, 2011 ۱۱:۳۳:۱۳۳۳

یکشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۰

# روزنامه جهانی

جستجو

مطلب بیشتر

- بازدید کمسیون امنیت ملی مجلس از برخی زندانهای کشور
- انعقاد از سکون رسانه‌های عربی و فعالان حقوق بشر درباره جاذبه مهاباد
- برخورد قاطع با عاملان انفجار مهاباد
- دستگیری چهار تهریست توسط سربرابر گمنام امام زمان(عج)
- اعلام آمادگی کشورهای همسایه برای شناسایی عوامل حادثه مهاباد
- سیاه توأمی اسبی حیات تهریستی مهاباد را به هلاکت رساند
- نظر محسن رضایی درباره علت اقدام تهریستی مهاباد
- آغاز دور چهارم سفرهای استانی با رونگرد عمران و آبادانی
- دستگیری قائل یکی از برترگان تهرانی باید دیدنای بعضی حقوق بشر در غرب باشد
- هر کشور از برخورد قانونی با عوامل حادثه تهریستی مهاباد خبر داد
- نور دو برترنگ در تهرانی سیاسی و سردانی بود
- در دور چهارم سفرهای استانی همه مصوبات باید تکمیل شود
- مشارکت برخی از عناصر حتی و ضد انقلاب در حادثه بمب‌گذاری مهاباد
- به روی مرتضی‌الدوله تهریستی "مهاباد" اعلام می‌شود
- شهادت ۱۵ نفر در عملیات انفجاری مهاباد
- دستگیری ۴ تهریست وابسته به انگلیسی در هروان
- برترنگ کشته شده ربطی به ناراضگانگانه کهریزک ندارد
- رامس‌جمهور در دور چهارم سفرهای استانی به شهرستانها سفر می‌کند
- اتمام هفتی از سوی کمسیون امنیت ملی مجلس به مهاباد
- مجلس از شناسایی عاملان حادثه تهریستی مهاباد خبر داد

## \* وزیر اطلاعات از انتشار اسناد ارتباط عوامل قتل 88 با بیگانه‌گان خبر داد

به گزارش شبکه ایران، حجت الاسلام والمسلمین حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات در مراسم رونمایی از برافراش جانج شهیدای روحانی که در سالهای همایش‌های دفتر تبلیغات اسلامی برگزار شد با بیان اینکه امروز بسیاری از نجگان جووی ما مورد هجوم سرویس‌های سیا قرار گرفته‌اند و این سرویس‌ها برای بسیاری از موسسات و نجگان جووی ما تله گذاشته‌اند اظهار داشت: تله‌های سرویس‌های سیا از نوع علمی است و آنها با مباحث علمی به میدک می‌آیند و به محض اینکه نجگان ما از کشور خارج می‌شوند از طریق فضای مجازی به سراغ آنها می‌روند و می‌گویند که می‌خواهیم برای شیعه و اسلام کار کنیم و لی اهداف صددینی خود را دنبال می‌کنند.

**سراپ قتل در فکر بازسازی شخصیت خودشان هستند**

حجت الاسلام مصلحی با اشاره به قتل سال گذشته گفت: قتل 88 قتل‌های بود که همه مجموعه‌ها از لاینگ صدرمد تا معتقد به دین را برای مقابله با انقلاب جمع کرده بود. افرادی که هیچ وجه باسندی به دین نداشتند، حتی منافقین و وهابیت و بهائیت در این مجموعه حاضر شدند اما آنچه که دردآور است آن است که با کمال تأسف هنوز علیرغم روشنگری‌های مقام معظم رهبری هنوز عدداً از خواب حرکتی خود بیدار نشده‌اند و بصیرت لازم را پیدا نکرده‌اند.

وزیر اطلاعات با بیان این‌که «درآیندهای نزدیک اسناد دحالت استنکار و ارتباط آنها با عوامل داخلی را در خصوص قتل پس از انتخابات ارائه خواهیم کرد» افزود: هنوز عدداً معتقدند که این یک دعوی انتخابی است و اگر بگویند که این قتل تمام شده است خیال باطلی است؛ چراکه قتل هیچگاه تمام شدنی نیست، بلکه تغییر روش می‌دهد.

وی با بیان این‌که «سراپ قتل در فکر بازسازی شخصیت خودشان هستند» تصریح کرد: آنها در این راستا سرمایه‌گذاری سنگینی کردند، بنسبت‌هایی با حفضی از ایلان‌گران و روحانیون برگزار می‌کنند و مقام معظم رهبری با ذراستی که خداوند به ایشان داده است، دست همه آنها را خوانده‌اند.

**شناسایی عوامل تهریست حادثه مهاباد**

بنابر گزارش ایسنا، وزیر اطلاعات هرچس از شناسایی عوامل حادثه تهریستی دور چهارشنبه مهاباد توسط سربرابر گمنام امام زمان(عج) خبر داد.

وی اعلام کرد: مجموعه‌ای که این اقدام تهریستی را طراحی و انجام دادند، توسط سربرابر گمنام امام زمان(عج) شناسایی شده و روند پیگیری نیز همچنان ادامه دارد که امیدواریم به زودی در هفته دفاع مقدس این افراد را به سزای عملشان برسانیم.

پایان مطلب/

عناوین کل اخبار

- تقسیم فلسطین بوقته
- تهری‌هاست
- امنیت احمدکرماد فرانس از امنیت
- ایلمایک است
- انتشاردومین آلبوم موسیقی دفاع مقدس در تبر
- همه نظیر ...

۱۳:۳۳:۱۳۳۳ ساعت خبر

تاریخ خبر: ۱۳۹۰/۰۷/۰۲

شماره خبر: ۵۲۰۵۹۱

بگشنگه چاپی

ارسال به دوستان

توسیه خبر

صفحه نخست

آدرس ابل:

نام و نام خانوادگی:

کد ابل: